

سپاه ۴۵ ساله شد

جهش تولید
با مشارکت مردم

کابوس کاخ سفید

همواره در اوج

سپاه رتبه اول

گزارشی از سی و چهارمین دوره مسابقات قرآن کریم نیروهای مسلح



ای روضه‌ای که دهر زبویت معطر است
آیت زکوٰه و کلت از مسک و عنبر است

شاهی که کائنات طفیل وجود اوست
خلوت سرای سدر مقام بھود اوست

۱۱ ذی القعدة؛ ولادت امام رضا (ع) مبارک باد

امام صادق

کسی که هفت بار بگوید:

یا رحمة الله

از جانب خداوند خطاب می‌رسد:

ای بنده‌ی من!

حاجت خود را طلب نما تا اجابت کنم...

مکارم الأخلاق، ص: ۳۴۶

۲۵ سوال؛ شهادت امام جعفر صادق (ع) تسلیت باد

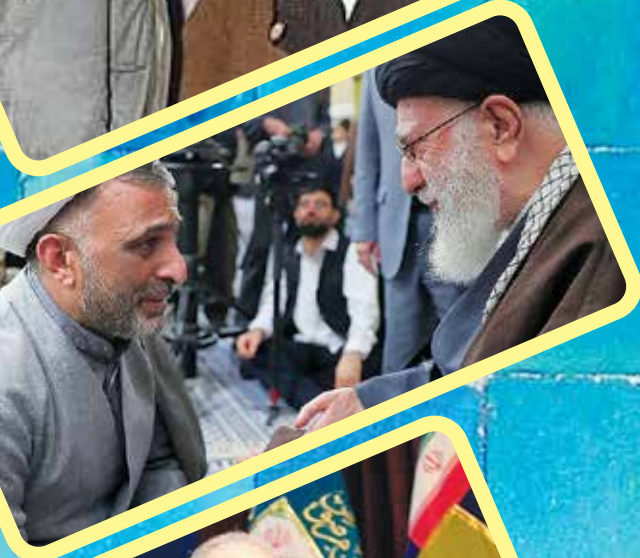
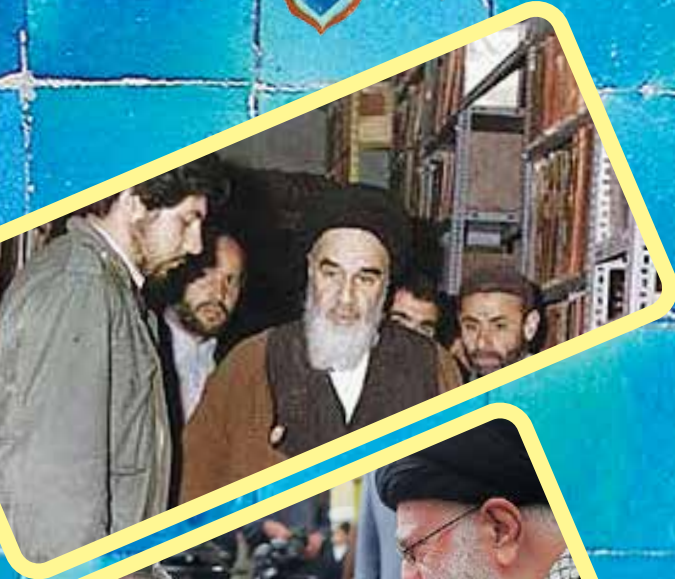




فرهنگ پاسداری

ماهنامه فرهنگی و اجتماعی

سال شانزدهم / شماره ۱۴۱ / اردیبهشت ۱۴۰۳



صاحب امتیاز:

معاونت فرهنگی و تبلیغات نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیر مسئول:

سرتیپ دوم پاسدار حسین محبی

سر دبیر:

حسن شریعتی

دبیر تحریریه:

علی عرفانی

عکس و صفحه آرایی:

امیر مهدی صالحی

همکاران این شماره:

مهدی نیک‌بین / نفیسه محمدی / علیرضا جلالیان

لیتوگرافی:

مرکز چاپ سپاه

نشانی:

تهران / ستاد فرماندهی کل سپاه

حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه / ساختمان شماره ۲

معاونت فرهنگی و تبلیغات / مدیریت نشریات

تلفن و دورنگار سردبیری:

۳۵۰۳۳۸۴۷ / ۳۳۲۲۲۲۰۳

مرکز توزیع:

۳۵۲۳۳۸۷۸

صندوق پستی:

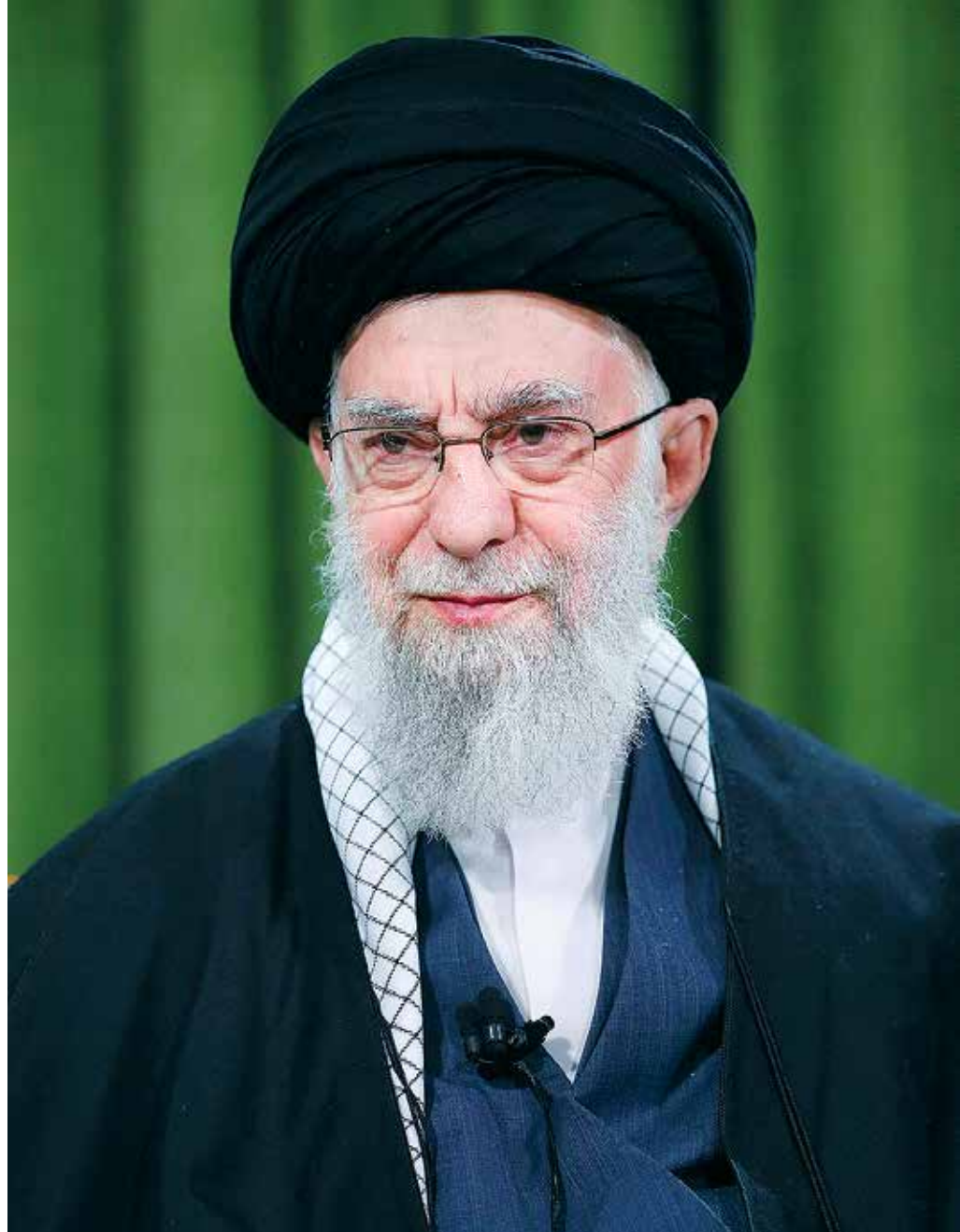
۱۷۳۸۵-۱۶۵

سامانه پیامکی:

۶۶۰۰۰۹۹۶۲

فهرست

- ۴ جهش تولید با مشارکت مردم
- ۶ سپاه ۴۵ ساله شد
- ۷ وقتی دست محافظ می‌شکند
- ۸ جنگ شناختی و تکنیک «برچسب‌زنی»
- ۱۰ شعر و ادب فارسی رسانه‌ای قدرتمند و اثرگذار است
- ۱۱ کتاب‌های جدید شمارا خواندم خیلی خیلی خوب بودند...
- ۱۲ کابوس کاخ سفید
- ۱۴ اسنادی بر حقانیت نام خلیج فارس
- ۱۵ قدرت زبان فارسی در مهار جنگ شناختی
- ۱۶ سپاه رتبه اول
- ۱۸ مطهری خوانی، چرا و چگونه؟
- ۲۰ فرهنگ دفاع مقدس ضامن حیات نظام ولایی
- ۲۲ سپاه پاسداران چگونه تأسیس شد؟
- ۲۴ همواره در اوج
- ۲۵ جهش تولید بر پایه جمهور مردم
- ۲۶ دلم برای پسرهایم تنگ شده است
- ۲۷ سه برادر شهید
- ۳۰ امیدآفرینی در «سینما» با آمار بالایی مخاطبان
- ۳۱ دوربین خدا هم حساب و کتاب دارد!
- ۳۱ مشوق اصلی مارهبرمان است
- ۳۲ جامع‌نگری و هم‌گرایی در اسلام
- ۳۳ آفتابه لگن هفت دست، شام و ناهار هیچی
- ۳۴ لجبازی کودکان
- ۳۵ لیموترش، گاهی یا همیشه؟
- ۳۶ عرق خارشتر چیست؟
- ۳۷ چند توصیه در گوشه‌ی باخانم‌ها
- ۳۹ رادیو مضمون
- ۴۰ طوفان



ف چراغ راه

پیام نوروزی رهبر حکیم انقلاب به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۳

جهش تولید با مشارکت مردم

ماه مبارک رمضان و بهار دلها و بهار معنویت همراه شده است. به طور خاص تبریک عرض می‌کنم به خانواده‌های ایثارگران و به همه ملت‌های دیگری که نوروز را گرامی می‌دارند.

یاد می‌کنم از شهیدان عزیز و از امام شهیدان که این راه را به روی ملت ایران گشود. آرزو می‌کنم بهره‌مندی ملت ایران را از هر دو بهار، هم بهار طبیعت و هم بهار معنویت.

نگاهی به سال ۱۴۰۲ که این لحظه به پایان رسید بکنیم و نگاهی به سالی که وارد آن شدیم. سال ۱۴۰۲ مثل همه سالهای دیگر زندگی، انباشته بود از شیرینی‌ها و تلخی‌ها، از خواسته‌ها و ناخواسته‌ها، این طبیعت دنیا و طبیعت زندگی است. در مسائل داخلی کشور پیشرفت‌های چشمگیر علمی، پیشرفت‌های فناوری، تولیدات زیربنایی که در سراسر کشور انجام گرفته است، این جزو شیرینی‌ها و خبرهای خوش بود. از سویی دیگر، مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم جزو خبرهای تلخ بود. حضور حماسی مردم در اجتماعات روز قدس و روز ۲۲ بهمن، برگزاری امن این تظاهرات بزرگ، برگزاری امن و سالم انتخابات آخر سال و حضورهای مردمی دیگر، جزو خبرهای خوش و خواسته‌های شیرین سال گذشته بود. حادثه تلخ کرمان در سالگرد شهید سلیمانی، سیل بلوچستان در اواخر سال، حوادثی که برای مأموران امنیت و حافظان امنیت در طول این ماه‌ها اتفاق افتاد، جزو حوادث تلخ بود و تلخ‌تر از همه حادثه غزه بود که جزو مسائل مهم بین‌المللی ما است و حادثه‌ای تلخ‌تر از آن امسال ما نداشتیم. در مسائل خارجی تحرک بین‌المللی دولت در عرصه‌های گوناگون اقتصادی و سیاسی جزو خبرهای شیرین و حوادث مطلوب بود و حادثه‌غزه هم که عرض کردیم جزو تلخ‌ترین حوادث، بلکه تلخ‌ترین حوادث مسائل خارجی ما بود. از خداوند متعال مسئلت می‌کنیم که تلخی‌ها را جبران کند و ادامه شیرینی‌ها را به ملت ایران و ملت‌های مسلمان ارزانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
يا مقلبَ القلوبِ و الأبصارِ، يا مدبّر اللیل و النهارِ، يا مُحَوِّلَ الحَوَالِ و الأحوالِ، حَوِّلْ حَالَنَا إلى أحسنِ الحالِ.
تبریک عرض می‌کنم به همه ملت عزیز ایران عید نوروز و سال جدید را که امسال با

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در پیامی به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۳، سال جدید را سال «جهش تولید با مشارکت مردم» نام‌گذاری کردند.
متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به شرح زیر است:



گزیده بیانات رهبر معظم انقلاب در اولین روز سال ۱۴۰۳

- ✓ انگیزه انتخاب و اعلام شعار هر سال تمرکز و همت و تلاش مسئولان و آگاهی و مطالبه افکار عمومی برای تحقق این شعارهای راهبردی است.
- ✓ اگر با برنامه‌ریزی و تلاش مسئولان، نوعی بسیج مردمی برای حضور در امر اقتصاد صورت گیرد، تحقق شعار بسیار مهم «جهش تولید» ممکن خواهد شد.
- ✓ استفاده از زیرساخت‌های موجود، ابتکارات مردمی، قدرت مدیریت فعالان اقتصادی، نیروی جوان تحصیل کرده و شرکت‌های دانش‌بنیان، بدون تردید اقتصاد کشور را به پیشرفت محسوس می‌رساند که تلاش بی‌وقفه مسئولان پرتحرک کشور و هنر آنان در به حرکت درآوردن این مجموعه‌ها و عوامل، زمینه‌ساز این توفیق بزرگ ملی خواهد بود.
- ✓ «جهش تولید با مشارکت مردم» شعار یکساله نیست بلکه مسئولان باید با برنامه‌ریزی و کمک گرفتن از مردم، گام اول را در سال جاری بردارند تا ان‌شاءالله این شعار در طول زمان، کامل محقق شود.
- ✓ جوانان مستعد، ملت آماده به کار، منابع کم‌نظیر طبیعی و موقعیت ممتاز جغرافیایی از جمله ظرفیت‌های انبوه برای استمرار پیشرفت‌های کشور است. لازمه ادامه پیشرفت این است که همه به آینده امیدوار باشیم.
- ✓ هزاران گروه جوان، پر توان، پر انگیزه و با شوق در سراسر کشور در بخش‌های مختلف علمی و حوزوی و فرهنگی و هنری مشغول کار و تلاش و رونق‌بخشی به فضای جامعه هستند.
- ✓ رقابت‌های داخلی و اختلاف‌های سیاسی نباید موجب نفرت‌پرانی و ایجاد دشمنی و اهانت و آزار و احياناً دروغ و افترا علیه یکدیگر شود.
- ✓ سعی کنید در جامعه نفرت‌پرانی نشود و با وجود اختلاف سلیقه، در مسائل جامعه و در مواجهه با دشمنان کشور و ملت همه با هم برادرانه و یکسان حرکت کنند.

بفرماید و آنچه را که مایه خیر و برکت امت اسلامی است و مایه خیر و برکت ملت ایران است، به آنها لطف بفرماید.

در مورد شعار سال ۱۴۰۲ که عبارت بود از مهار تورم و رشد تولید، کارهای خوبی انجام گرفت. در هر دو بخش شعار، کارهایی انجام گرفت، پیشرفت‌هایی هم اتفاق افتاد، البته نه به قدر مطلوب — که حالا ان‌شاءالله تفصیل آنها را در سخنرانی امروز عرض خواهم کرد به ملت ایران — و آنچه که انجام گرفته خوب بود ولی باید ادامه پیدا کند. و این شعار، شعاری نیست که در یک سال توقع داشته باشیم که به نحو مطلوب انجام بگیرد، این شعار همچنان ادامه خواهد داشت.

در سالی که پیش روی ما است و وارد آن شدیم، کارهای زیادی هست که بایستی انجام بگیرد و باید خودمان را به آن متعهد بدانیم، هم مسئولین کشور، دولتی‌ها، مجلس، قوه قضائیه و دیگران و هم آحاد مردم، همه باید خودمان را به آن کارها متعهد بدانیم در زمینه‌های مختلف، لکن در این سال هم مسئله‌ی عمده‌ی کشور عبارت است از اقتصاد. نقطه‌ی ضعف اساسی کشور عبارت است از مسئله اقتصاد، باید در این زمینه‌ها فعال عمل کنیم.

بنده با مطالعه نظرات کارشناسان این مسئله به این نتیجه می‌رسم که یک کلید اساسی برای حل مشکلات اقتصادی کشور عبارت است از مسئله تولید؛ تولید داخلی، تولید ملی، برای همین هم هست که در این چند سال گذشته بر روی تولید ما تکیه کردیم. اگر رشد تولید و حرکت رو به جلو در تولید ملی به نحو مطلوب انجام بگیرد، بسیاری از مشکلات مهم اقتصادی مثل مسئله‌ی تورم، مسئله اشتغال و مسئله ارزش پول ملی، این مسائل اساسی اقتصاد به نحو خوبی به سمت حل پیش خواهد رفت. مسئله تولید بنابراین مسئله مهمی است و به همین جهت امسال هم روی مسئله تولید تکیه می‌کنم و توقع دارم، انتظار دارم که ان‌شاءالله یک جهشی در کار تولید اتفاق بیفتد امسال، و بجد اعتقاد دارم که این جهش بدون مشارکت مردم و بدون حضور مردم اتفاق نخواهد افتاد. اگر ما بخواهیم جهش تولید داشته باشیم، بایستی اقتصاد را مردمی کنیم، باید پای مردم را به عرصه تولید به نحو محسوسی باز کنیم، موانع حضور مردم را برطرف کنیم. در بخش مردمی ظرفیت‌های بزرگی وجود دارد که من ان‌شاءالله توضیح خواهم داد در این باره و این ظرفیت‌ها بایستی فعال بشود، باید از آنها به نفع کشور و به نفع مردم استفاده بشود. لذا من به این مناسبت شعار امسال را این قرار دادم: «جهش تولید با مشارکت مردم» این شعار امسال است. امیدواریم ان‌شاءالله این شعار به بهترین وجهی تحقق پیدا کند. برنامه‌ریزان کشور برنامه‌ریزی کنند، صاحب‌نظران همکاری فکری کنند و فعالان اقتصادی به نحو عملی در این کار ان‌شاءالله مشارکت کنند. از خداوند متعال توفیق ملت بزرگ و عزیز ایران را مسئلت می‌کنم و سلام خاضعانه عرض می‌کنیم به پیشگاه حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه) و از خداوند تعجیل در فرج آن بزرگوار را که فرج بشریت است مسئلت می‌کنیم. والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته

سپاه ۴۵ ساله شد

علیرضا جلالیان

سال ۱۳۵۸ اولین سالی است که شروع در حکومت ولایی رقم می‌خورد، چهل روزی از پیروزی انقلاب گذشته و لزوم انقلابی عمل کردن، وجود ابزار انقلابی در دست امام خمینی(ره) است. قطعاً سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پیش از دو اردیبهشت ماه شکل گرفت، آن موقع که ستاد استقبال از حضرت امام(ره) تشکیل شد.

پیش از پیروزی انقلاب هم گروه‌های اسلامی با رویکرد مبارزه مسلحانه شکل گرفته بودند و تلفیق این دو موضوع یعنی انتظامات مراسم استقبال از حضرت امام(ره) و مبارزه مسلحانه گروه‌های اسلامی با رویکردهای غیرمارکسیستی موجب تشکیل دو نهاد انقلابی کمیته‌های انقلاب اسلامی و سپس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد.

شاید تنها علت تشکیل سپاه، تقوایی الهی بود، تقوایی الهی که لزوم حراست از بزرگترین دستاورد تاریخ معاصر جبهه حق را واجب می‌نمود. البته سنوات بعد نشان داد ولایت فقیه و ولی‌الهی نیاز به نهاد صیانت کننده پیرو دارد، چون تاریخ انقلاب‌های جهان اثبات کرده، نبود نهاد صیانت کننده وفادار به آرمان‌ها موجب انحراف و عدم دست یافت انقلاب‌ها به اهدافش است.

هرچند مردمان عصر خمینی(ره) وفادارترین مردمان تاریخ به وسعت یک جامعه هستند، اما نهاد صیانت کننده یک الزام است و به همین سبب گروه‌های مختلف مبارز انقلابی

غیر مارکسیستی که در پادگان‌های تهران و اطراف آن مستقر شده بودند و اقدامات امنیتی انجام می‌دادند، با هوشمندی فرماندهان و تدبیر حضرت امام(ره)، منسجم و در قالب سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شکل پیدا کردند. به فرموده فرمانده معظم کل قوا این بنیان بر پایه تقوا شکل گرفت و مصداق آیه «لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّطَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ» است.

تقوا، تقوا، تقوا و این رمز حفظ آن شالوده و بنیان بود، در شرایطی که نه امکانات، نه آموزش و نه تجربه وجود داشت، اما پیروزی و فتح سنگر به سنگر محصول آن بود.

تقوایی که در روزهای اول شکل‌گیری سپاه در رابطه با پرداخت حقوق وقایع بی‌نظیر تاریخی را رقم زد، آن زمان که در انتهای ماه حقوق‌ها را داخل چمدان به درون مقرهای سپاه می‌بردند و هر کس به اندازه‌ای که نیاز داشت برمی‌داشت و برای نمونه در سپاه همدان در یک ماه نه تنها از پول برداشت نشد، بلکه به آن افزوده شد، پاسداران اولیه خود را کارکنان لشکری نمی‌دانستند؛ صرفاً سرباز ولایت، و پاسداری را شغل تلقی نمی‌کردند و آن را ادای دین به اسلام می‌دانستند.

پاسداری شغل نبود و لذا شاید روزها پاسداران به خانه نمی‌رفتند و زندگی‌شان در مقرها و پادگان‌های سپاه و ماموریت رقم می‌خورد. اگر حقوقی داده می‌شد همه یکسان بود و عجایب دیگر...

پاسداری از جنس همت، باقری، خرازی همدانی، حجازی، زاهدی، سلیمانی و... پاسداری که از دل مبارزه با جدایی طلبان ناگهان به دفاع مقدس وارد شده و در جنگ به بیان امام انقلاب(ره)، پیروزی‌های بزرگ و مقدمه پیروزی‌های آینده را فراهم کردند، عده‌ای شهید و عده‌ای منتظر شهادت.

عده ای پس از جنگ اما یک روز هم مبارزه را کنار نگذاشتند، شهید حاج قاسم سلیمانی و محمدرضا زاهدی از آن جمله بودند.

جبهه انقلاب اسلامی به همت پاسدارانش وسیع و وسیع‌تر شده و آنانی که سپاه را بر شالوده تقوا شکل دادند در راس این جبهه کماکان حضور دارند و تا دوران شهادت گمنام هستند. ما پس از شهادت، سلیمانی‌ها، سید رضی‌ها، زاهدی‌ها و... را شناختیم، کما اینکه نسل جدید این نهاد بر پایه تقوا را پس از شهادت شناختیم، پاسداری همچون حججی، محمدخانی، پاشاپور و...

و دوم اردیبهشت ماه که بدین سبب ایام‌الله است، روزهایی که بواسطه تعیین سپاه و صدور حکم ماموریت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مسبب تحولات رو به پیشرفت انقلاب بود، انقلابی که مهمترین تحول تاریخ غیبت محسوب می‌شود و امروز شناخت پاسداران نسبت به این مسئله بسیار مهم و ضروری است تا بدانند در کجای صحنه تاریخ و تاریخ سازی قرار دارند. سالروز تاسیس سپاه بر منتظران و همه آنانی که دل در گرو انقلاب اسلامی دارند مبارک باد.

وقتی دست محافظ می شکند

پای حرف های حمیدرضا نقاشیان
از پاسداران امام خمینی (ره) - ۳

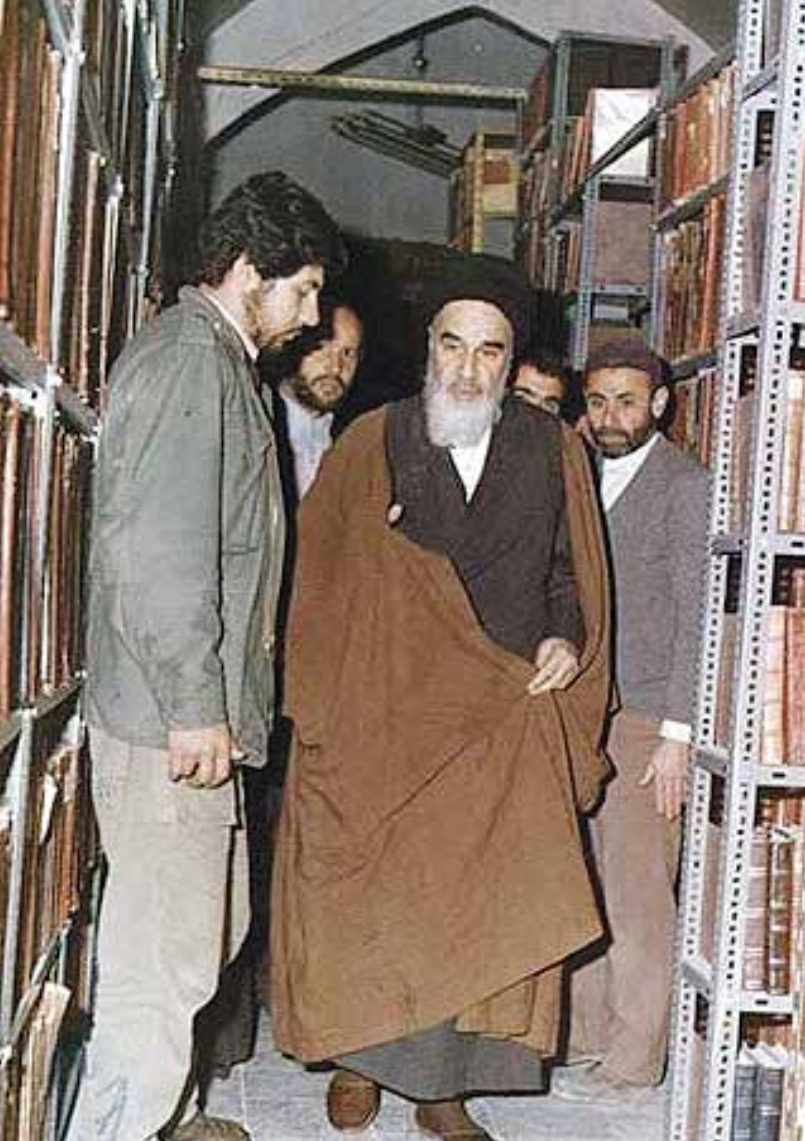
قرار بود رهبر کبیر انقلاب در مدرسه حکیم نظامی قم سخنرانی داشته باشند. ما وارد کوچه شدیم و وقتی مردم فهمیدند امام آمده، اطراف ماشین تجمع کردند و عبور ما سخت شد. خلاصه هر طوری بود ماشین را رساندیم به ورودی مدرسه حکیم نظامی. قرار بود مردم در حیاط مدرسه جمع شوند و امام روی بالکن سخنرانی کنند. برای برقراری امنیت کسی نباید داخل ساختمان مدرسه می‌رفت. تجمع مردم زیاد شده بود. آن‌ها در حال ورود به مدرسه بودند و من در حال کنترل کردن جمعیت بودم و می‌خواستم در را ببندم که در این حین دستم شکست. چند دقیقه‌ای گذشت تا من خودم را جمع و جور کردم. در را بستیم و جمعیت را کنترل کردیم. رفتم دیدم امام داخل مدرسه نرفتند، کمی آن طرف تر ایستادند. تعجب کردم. گفتند منتظر شما بودم. امام نگران بودند تا ببینند چه اتفاقی برایم افتاده و این نشان می‌داد که امام (ره) محبت را ابراز می‌کنند، مراقب همه بودند. تذکر می‌دادند اما طوری رفتار می‌کردند که ما همیشه شرمند رفتارشان می‌شدیم.

ناراحتی امام (ره) از ممانعت محافظان برای حضور کودکان

تصاویر بسیاری از امام خمینی (ره) دیده‌ایم که کودکی را در آغوش گرفته و می‌بوسد. محبت و الفت ایشان نسبت به کودکان زبانزد همه اطرافیان بود. اگر عکس‌های پنجره مدرسه علوی را نگاه کنید عکس‌هایی زیادی هست از حضور بچه‌ها. مردم با اصرار بچه‌هایشان را می‌آوردند دم پنجره که امام (ره) دستی به سر آنها بکشد تا خاطره‌ای برایشان بماند. ما برای ملاحظات امنیتی و اینکه یک وقتی اتفاقی نیفتد، ممانعت می‌کردیم. اما امام خمینی (ره) از این ممانعت ما ناراحت می‌شدند و می‌گفتند بگذارید بچه‌ها بیایند. ایشان با عشق دست روی سر کودکان می‌کشیدند. شوخ طبعی امام (ره) هم برای من خیلی درس داشت. امام با خانواده و نوه‌ها همیشه شوخی می‌کردند و نوه‌ها هم این ویژگی ایشان را خیلی دوست داشتند و یکی از لذت بخش ترین اوقات، لحظاتی بود که با امام (ره) می‌گذرانند.

صبر و طمأنینه امام (ره) در همه اوقات

جنگ که شروع شد یک زمانی اتفاقی پیش آمد و من با لباس نظامی



و خسته بعد از یک عملیات، به محضر امام رفتم. ناراحت بودم و با ریز جزئیات، اتفاق را برای امام (ره) شرح دادم. ایشان با طمأنینه هر چه تمام و لبخندی که گوشه لبشان بود به من گفتند: خسته‌ای! نگاهی به ایشان کردم و گفتم: «بله. کمی خسته‌ام. دیشب نخوابیدم. دوباره گفتند نه! خسته‌ای! ذهنت هم خسته است. برو یک هفته استراحت کن و هیچ خبری را هم گوش نده.» لبخند و مهر پدران امام خمینی (ره) بر روح و جان حمید نقاشیان نقش بسته است.

چرا امام (ره) گفت خرمشهر را خدا آزاد کرد؟

چرا امام گفت خرمشهر را خدا آزاد کرد؟ شما ببینید در جریان فتح خرمشهر چه اتفاق عظیمی افتاده بود. آن زمان گروه‌های مختلفی در فتح خرمشهر نقش داشتند. اما امام برای پرهیز از اختلافات احتمالی چه کردند؟ با یک جمله، همه حرف را زدند و گفتند خرمشهر را خدا آزاد کرد و این یعنی برقراری وحدت و اتحاد میان گروه‌های مختلف. خلاصه‌اش اینکه اهالی رسانه باید دائم از امام بگویند. نه فقط ۱۴ و ۱۵ خرداد که سراسر سال باید خاطرات بنیانگذار انقلاب را بازگو کرد. تفکر و راه امام خمینی (ره) باید زنده بماند.



جنگ شناختی و تکنیک «برچسب‌زنی»

مهدی نیک‌بین
جنگ شناختی که به جنگ ادراکی نیز مشهور است، به نوعی جنگ نوین گفته می‌شود که در آن ذهن انسان‌ها به عنوان میدان نبرد اصلی در نظر گرفته می‌شود و این نوع جنگ سعی در به چالش کشیدن باورها و ارزش‌ها به شیوه‌ای نو و همراه با تکنیک‌های به خصوص دارد. به صورت کلی هدف از جنگ شناختی، تأثیرگذاری بر افکار، ادراکات و در نهایت رفتارهای افراد است. این نوع جنگ با استفاده از ابزارهای مختلفی مانند رسانه‌های اجتماعی، شبکه‌های اطلاعاتی، فناوری‌های ارتباطی و هر نوع ابزار دیگری که توان القای فکری جدید به مخاطب را داراست، انجام می‌شود. اهداف جنگ شناختی به اختصار شامل موارد ذیل می‌شود:

۱. تغییر هنجارها و ارزش‌ها: جنگ شناختی می‌تواند با تغییر هنجارها و ارزش‌های جامعه هدف، به تضعیف وحدت و اعتماد عمومی به نظام‌های سیاسی و اجتماعی منجر شود و دست‌آورد سبب آشوب و بحران در کشورهای هدف شود.
۲. ایجاد تفرقه و دوقطبی: این نوع جنگ به دنبال ایجاد تفرقه و دوقطبی در جامعه است تا با افزایش فاصله ایدئولوژیک میان افراد، به اهداف خود دست یابد و افراد را سردرگم سازد تا به اهدافی قصد دارد دست پیدا کند.
۳. تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌ها:

جنگ شناختی می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی تأثیر بگذارد و حتی موجب تغییرات در سطح حکومت‌ها شود و البته این بستگی به سطح دانش مردم برای مقابله با چنین تهدیدات و همچنین میزان تأثیرگذاری رسانه مورد نظر و وسعت مخاطبین آن دارد.

روش‌های جنگ شناختی:

۱. استفاده از ربات‌ها و ترول‌ها: در جنگ شناختی، از ربات‌ها و ترول‌ها برای تأثیرگذاری بر انتخابات و دیگر فرایندهای دموکراتیک استفاده می‌شود به گونه‌ای که حتی در مواقعی تفاوت قائل شدن میان ربات و شخصیت حقیقی بسیار سخت و دشوار

می‌شود.

۲. پخش اطلاعات نادرست: گسترش اطلاعات غلط و فرسودگی روان‌شناختی گیرندگان اطلاعات از دیگر تکنیک‌های جنگ شناختی است و این مورد به‌خودی‌خود بسیار گسترده است چرا که پخش اطلاعات نادرست نیز شیوه‌های گوناگون و مخصوص به خود را داراست که از مهم‌ترین این شیوه‌های استفاده از تکنیک‌های مختلف رسانه‌ای است.

همان‌طور که بیان شد، جنگ شناختی به دلیل تأثیرات گسترده‌ای که بر جوامع مدرن دارد، به یکی از مهم‌ترین موضوعات در عرصه امنیت ملی و بین‌المللی تبدیل شده است. این نوع جنگ، با تمرکز بر ذهن و ادراک انسان‌ها، می‌تواند بدون نیاز به درگیری‌های فیزیکی، تأثیرات عمیقی بر جامعه هدف بگذارد؛ همچنین باید توجه داشت که سرعت تحول در این نوع جنگ بسیار بالا است و دائم روش‌ها و تکنیک‌های مختلف در خصوص آن بروز و ظهور می‌کند و در ادامه تلاش شده تا به یکی از ده‌ها نوع تکنیک جنگ شناختی، یعنی تکنیک «برچسب‌زنی» بپردازیم.

تکنیک «برچسب‌زنی» در رسانه

در دنیای پیچیده ارتباطات و رسانه‌ها، تکنیک برچسب‌زنی به عنوان یکی از ابزارهای قدرتمند در شکل‌دهی افکار عمومی و تصویرسازی از افراد، گروه‌ها و کشورها به کار می‌رود. رسانه‌های غربی، به‌ویژه در مواجهه با مسائل بین‌المللی، گاهی از این تکنیک برای تأثیرگذاری بر دیدگاه‌ها و نگرش‌ها استفاده می‌کنند تا بتوانند آن تصویری که باب میل خودشان است را به دیگران القا کنند و سبب برتری خود و تخریب رقیب خود در فضای عمومی شوند.

تکنیک برچسب‌زنی دقیقاً چیست؟

تکنیک برچسب‌زنی شامل انتساب ویژگی‌ها، صفات یا ایدئولوژی‌های خاص به افراد یا گروه‌ها به‌منظور تسهیل درک عمومی

و اغلب با هدف تقویت یا تضعیف موقعیت آن‌ها است. این تکنیک می‌تواند به صورت مثبت یا منفی به کار رود و تأثیرات گسترده‌ای بر روی تصورات جامعه داشته باشد.

کاربرد این تکنیک در رسانه‌های غربی به چه شکلی است؟

رسانه‌های غربی بسیاری از اوقات از برچسب‌هایی مانند «محور شرارت»، «دیکتاتور»، «تروریست» یا «قهرمان آزادی» استفاده می‌کنند تا تصویری خاص از کشورها یا رهبران سیاسی ارائه دهند. این برچسب‌ها می‌توانند بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی و حتی سیاست‌های خارجی تأثیرگذار باشند و باعث ایجاد جریان فکری یا نگرشی خاص باشند.

تأثیرات و پیامدهای این تکنیک به چه نحوی است؟

تکنیک برچسب‌زنی می‌تواند به ایجاد تصورات نادرست و یک‌سویه منجر شود؛ حتی گاهی می‌تواند اجازه دفاع به‌طرف مقابل را ندهد و به شیوه‌ای بی‌رحمانه همه‌گیر شود و در نتیجه، به تنش‌های بین‌المللی و سوءتفاهم‌های فرهنگی دامن بزند. این رویکرد می‌تواند مانع از درک متقابل و گفتگوی

جنگ شناختی به دلیل تأثیرات گسترده‌ای که بر جوامع مدرن دارد، به یکی از مهم‌ترین موضوعات در عرصه امنیت ملی و بین‌المللی تبدیل شده است. این نوع جنگ، با تمرکز بر ذهن و ادراک انسان‌ها، می‌تواند بدون نیاز به درگیری‌های فیزیکی، تأثیرات عمیقی بر جامعه هدف بگذارد؛ همچنین باید توجه داشت که سرعت تحول در این نوع جنگ بسیار بالا است.

سازنده شود و به ترویج stereotype و پیش‌داوری‌ها کمک کند و این پیش‌داوری در صورت خنثی‌نشدن می‌تواند سبب بحران شود چرا که هرچقدر از زمان خنثی‌سازی این تکنیک بگذرد، ماندگاری بیشتری در ذهن افراد ایجاد می‌کند.

بهره‌سختن

تکنیک برچسب‌زنی، هرچند که می‌تواند به عنوان یک ابزار ارتباطی مؤثر عمل کند، اما زمانی که به صورت نادرست و بدون توجه به واقعیت‌ها به کار گرفته شود، می‌تواند به ایجاد تصویری غیرواقعی و مخرب منجر شود؛ بنابراین، ضروری است که مخاطبان رسانه‌ها به نقد و تحلیل این تکنیک‌ها بپردازند و به دنبال درک عمیق‌تر و دقیق‌تری از مسائل باشند. گاهی می‌توان با یک تحقیق و پرس‌وجوی ساده از عمومی شدن برچسب‌زنی‌های غلط جلوگیری کرد و می‌توان در عصر کنونی هوشیار بود و همیشه باید احتمال غلط بودن برخی موضوعات، آن هم در دوره‌ای که اطلاعات به شیوه‌ای فزاینده به سمت ما هجوم می‌آورند را داد و مطالب را از مراجع درست، داخلی و قابل ارجاع پیگیری کرد و نه رسانه‌های بیگانه که نه درک درست از شرایط داخلی کشورها و نه شناخت نسبت به نوع زیست مردم آن کشورها را دارند.

و در آخر در خصوص این بحث باید به جمله معروف سردار شهید محمدابراهیم همت اشاره کرد که می‌فرماید: «هر موقع در مناطق جنگی راه رو گم کردید نگاه کنید آتش دشمن کدام سمت را می‌کوبد همان جبهه خودی است.»

حال در شرایط فعلی که دشمن تمام توان و تجهیزات خود را برای مقابله با کشور عزیزمان، ایران به کار می‌برد، وظیفه همگی ما این است که مراقب باشیم و جبهه خودی را از جبهه باطل تشخیص دهیم و با حفظ وحدت و تلاش مستمر، تهدیدات دشمن را خنثی کنیم.

رهبر فرزانه انقلاب
در دیدار شاعران و
اساتید ادبیات فارسی

شعر و ادب فارسی رسانه‌ای قدرتمند و اثرگذار است

در شب ولادت کریم اهل بیت امام حسن مجتبی (ع) طبق سنن و گذشته، ۴۰ نفر از شاعران جوان و پیشکسوت سروده‌های خود را در موضوعات مختلف دینی، اجتماعی و سیاسی در محضر رهبر فرزانه انقلاب قرائت کردند.

در این دیدار امام خامنه‌ای بعد از شعرخوانی شاعران، با ابراز خرسندی از استمرار پیشرفت و رو به اوج بودن شعر فارسی، شعر را رسانه‌ای مهم و تأثیرگذار در دوران جنگ رسانه‌ای خواندند و گفتند: در این عرصه باید از میراث کم‌نظیر شعر و ادب فارسی به عنوان رسانه‌ای قدرتمند و اثرگذار و نافذ به بهترین وجه استفاده شود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی افزودند: البته شرط اثرگذاری رسانه‌ی شعر، هنری بودن آن است و هنری بودن نیز منوط به «الفاظ محکم و استوار»، «مضمون‌یابی» و «کیفیت بیان موضوع» است.

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، انتخاب پیام مناسب و مفید را شرط دیگر برای اثرگذاری و ماندگاری شعر خواندند و گفتند: رسانه‌ی شعر باید انتقال دهنده پیام «دین و اخلاق»، «تمدن» و «ایرانی‌گری» باشد.

ایشان پیام ایستادگی شجاعانه ملت ایران در مقابل ظلم و زیاده‌طلبی زورگویان جهانی و مظاهر آن یعنی آمریکا و صهیونیست‌ها را از جمله پیام‌های ممتاز و قابل انتقال دانستند و خاطر نشان کردند: پیام ایستادگی ملت

ایران و بیان صریح و بدون ملاحظه مواضع در مقابل مستکبران، بسیار مهم و برای مردم دنیا شوق‌انگیز است که نمونه‌های استقبال از این مواضع در سفرهای خارجی رؤسای جمهور و سخنرانی آنها در اجتماعات مردمی وجود داشته است.

امام خامنه‌ای جلسه سالانه با شاعران را جلسه‌ای خوب و با برکت خواندند اما تأکید کردند: این جلسه نباید جلسه‌ای زینتی باشد بلکه ضروری است امتداد داشته باشد و با دنبال کردن مطالبی که در آن مطرح می‌شود به تأمین مقاصد و اهداف مورد نظر در زمینه اعتلای شعر کمک شود.

ایشان در ادامه به بیان چند توصیه خطاب به

شاعران و دست‌اندرکاران شعر و ادب فارسی پرداختند و در توصیه اول با اشاره به ضعف ترجمه و برگردان اشعار خوب و قوی فارسی به دیگر زبان‌ها گفتند: شعر خوب باید در معرض استفاده افکار عمومی دنیا قرار بگیرد بنابراین باید نهضت ترجمه ایجاد شود تا اشعار با نثر شاعرانه، گویا و قوی در اختیار دیگران قرار بگیرد که این کار مهم و سخت، کار دولت است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی با تأکید بر ضرورت انس با شعر از دوران کودکی تا نوجوانی و جوانی، وارد کردن بیش از پیش اشعار در کتاب‌های درسی به عنوان بخشی از ابزار انتقال تمدن، فرهنگ و معارف را وظیفه



روایت ف

شاعر پاسدار از گفت‌وگوی کوتاه با رهبر فرزانه انقلاب می‌گوید

کتاب‌های جدید شما را خواندم خیلی خیلی خوب بودند...

حجت الاسلام والمسلمین انصاری نژاد روایت گفت‌وگوی چند دقیقه‌ای خود با رهبر معظم انقلاب در حاشیه دیدار شاعران و سخنان معظم له را تعریف کرد.

به سنت همه ساله، دیدار شاعران با رهبر معظم انقلاب، در شب میلاد کریم اهل بیت و نیمه رمضان برگزار شد. جمع زیادی از شاعران در این دیدار حضور داشتند و شعرخوانی کردند. علاوه بر شاعران پیشکسوت و شناخته شده، جمع زیادی از شاعران جوان کشور در این دیدار حضور داشتند و تعدادی از آنها این فرصت را پیدا کردند که در مقابل حضرت آیت الله خامنه‌ای شعرخوانی کنند.

حجت الاسلام انصاری نژاد یکی از شاعران حاضر در این جلسه بود؛ او روایت جالبی از مکالماتی دارد که برای دقایقی با معظم له داشته و حرف‌های رهبر انقلاب را بازگو می‌کند.

«قبل از افطار میان جمع شاعران بوم و بنده در مجاورت حجت الاسلام زکریا اخلاقی در صفوف نماز نشسته بودیم و منتظر ورود امام خامنه‌ای بودیم که ایشان وارد حسینیه شدند. بعد از چند دقیقه حضرت آقا اشاره کردند به من و مرا صدا زدند. بنده فکر کردم به شخص دیگری اشاره دارند. مجدداً ایشان بنده را مورد خطاب قرار دادند که محافظ ایشان گفت چرا نشسته اید، حضرت آقا با شما کار دارند و فرمودند نزد ایشان بیایید. با شوق تمام رفتم محضر مبارک ایشان و معظم له فرمودند: «کتاب‌های جدید شما را خواندم. خیلی خیلی خوب بودند. کتاب امین شعر انقلاب را هم مشاهده کردم و از بذل محبت شما نسبت به بنده سپاسگزارم.»

بنده عرض کردم می‌خواستم دو غزل منتشر نشده‌تان را در صورت صلاحدید برای انتشار در چاپ دوم کتاب امین شعر انقلاب با دستخط متبرک خودتان در اختیار بنده قرار دهید که ایشان هم پذیرفتند و بعد مجدداً افزودند: «آقای انصاری نژاد شما الحمدلله هم پرکار هستید و هم موفق.»

انگار در پوست خود نمی‌گنجیدم و حتی در شوک بوم وقتی این همه ابراز محبت رهبر فرزانه انقلاب امام خامنه‌ای را در مورد این کمترین مشاهده کردم.

هنوز حلاوت دیدار از خاطرم نرفته و خدا را به واسطه وجود نازنین رهبر ادیب انقلاب اسلامی شکرگزارم. انشاءالله همواره بتوانیم در عمل به فرامین معظم له در باب شعر و نکات ارزنده‌ای که خطاب به شاعران می‌فرمایند، ثابت قدم باشیم و همواره توفیق دیدار حضرت ماه را داشته باشیم.

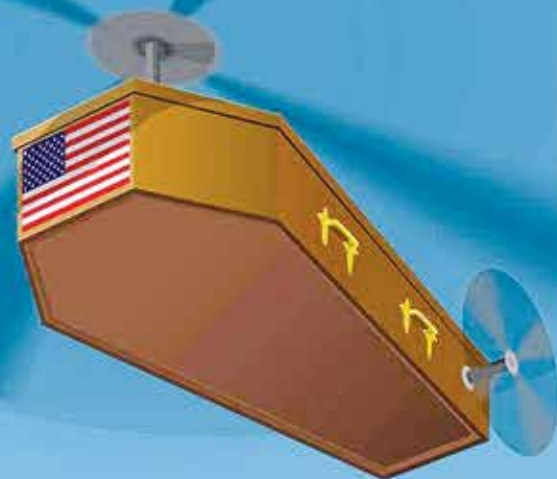
لازم به ذکر است در آیین نکوداشت این شاعر که سال ۱۴۰۰ در موسسه اوج برگزار شد، رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به دکتر حداد عادل فرموده بودند: «آقای انصاری نژاد خوب شعر می‌گویید، بسیار خوب شعر می‌گویید و در آینده قابلیت بهتر شدن را دارد.» پیش‌تر نیز مقام معظم رهبری چندین بار شعر وی را مورد تحسین قرار داده بودند که از جمله آنها زمانی است که در دیداری به محمدمهدی عبداللهی شاعر و پژوهشگر شعر آیینی فرموده بودند: «حال ایشان چطور است، من آقای انصاری نژاد را خوب می‌شناسم و کارهای ایشان بسیار خوب است، به ایشان سلام بنده را برسانید.»

وزارت آموزش و پرورش برشمردند. تقویت حافظه ادبی مردم و خلاق کردن ذهن جوانان در استفاده بجا و صحیح از اشعار و تأکید بر مطالعه و درس‌آموزی از آثار شعری شاعران برجسته دو توصیه دیگر رهبر حکیم انقلاب بود. امام خامنه‌ای درباره تحریک حافظه ادبی مردم فرمودند: «حافظه‌ی ادبی مردم ما ضعیف است؛ یعنی در جاهای مناسب، شعرهایی که باید به تناسب یادشان بیاید، یادشان نمی‌آید؛ یعنی نمی‌دانند. گاهی شعرهایی می‌خوانند، غلط می‌خوانند، که گاهی در تلویزیون هم ما می‌شنویم؛ پای تلویزیون نشسته‌ایم، مجری یک شعر غلط می‌خواند که اعصاب انسان خرد می‌شود. یک وقتی یک پیرمردی که موسیقی‌دان بود، به من می‌گفت اینهایی که در یک دستگاهی آواز می‌خوانند و بعد خارج [دستگاه] می‌روند، مثل این است که یک میخی در گوش آدم فرومی‌کنند؛ این‌جوری آدم ناراحت می‌شود. حالا واقعاً وقتی شعر را غلط می‌خوانند، گاهی اوقات این‌جوری است، مثل اینکه یک میخی در گوش انسان فرومی‌کنند. این نشان‌دهنده آن است که حافظه‌ی ادبی مردم ضعیف است. این راه دارد؛ باید راهش را پیدا کنند و جوری بشود که مردم با شعر انس پیدا کنند، آشنا بشوند.»

ایشان با ابراز تأسف از مظلوم واقع شدن زبان فارسی در برابر هجوم لغات بیگانه، در توصیه‌ای دیگر، پاسداشت این زبان پرکشش و قابل توسعه را مورد تأکید قرار دادند و گفتند: در مقابل این هجمه باید کلمات معادل فارسی که بعضاً بسیار زیباتر و استعمال آنها آسان‌تر است استفاده شود و با کاستن از لغات فرنگی، به خلوص زبان فارسی افزوده شود.

کابوس کاخ سفید

ماجرای طیس در یادداشت‌های هامیلتون جردن



روز پنجم اردیبهشت، سالروز شکست حمله نظامی آمریکا به صحرای طیس است. از این رو کتاب «بحران» به قلم «هامیلتون جردن» با برگردان محمود مشرقی را ورق زدیم تا از زبان آمریکایی‌ها اتفاقات آن روز را مرور کنیم.

هامیلتون جردن که از ابتدای مبارزات سیاسی «جیمی کارتر» در کارزار انتخابات ریاست جمهوری از نزدیک‌ترین همکاران و مشاوران او به شمار می‌آمد، آن زمان به عنوان رییس ستاد کاخ سفید فعالیت می‌کرد و به واسطه شغل خود از مسائل پشت پرده سیاست در آمریکا مطلع بود.

جردن که طی دوران حضور در کاخ سفید، ماموریت‌های محرمانه‌ای هم در رابطه با مسائل ایران انجام داده و آخرین مقام رسمی آمریکا بود که با شاه ملاقات و مذاکره کرد، در اواخر سال ۱۹۸۲ مجموعه‌ای از خاطرات روزانه آن دوران را در کتابی با عنوان «بحران» به بازار نشر فرستاد.

رییس سابق ستاد کاخ سفید در کتاب خود روایت‌های دست اول و تکان‌دهنده از واپسین روزهای حکومت شاه، ماجرای گروگانگیری و حمله به طیس را به مخاطب ارائه داده است. بخش‌هایی از یادداشت‌های روزانه هامیلتون جردن را که به واقعه طیس و تبعات آن اختصاص دارد منتشر می‌کند؛ «بدترین روزهای عمر کارتر» به توصیف رییس‌جمهوری وقت آمریکا و ساعات پراضطراب مستأجران کاخ سفید.

پنجشنبه ۲۴ آوریل ۱۹۸۰ (۴ اردیبهشت ۱۳۵۹): «از صبح امروز نمی‌توانستم هیجان خود را پنهان کنم. مرتباً به ساعت خود نگاه می‌کردم و پیش خود مجسم می‌کردم چارلی و افراد او الان در چه وضعی هستند. هیجان و نگرانی من بالاخره توجه التانور (منشی دفتر رییس ستاد کاخ سفید) را هم به خود جلب کرد و گفت: «امروز شما را چه می‌شود؟ حالتان عادی نیست.»

ماجرای ماموریت نجات از موارد نادری بود که التانور در جریان کار من از آن خبر

نداشت. کارتر به همه ما سپرده بود که در این مورد با هیچ کس حتی منشی‌های محرم و رازدار خود هم صحبت نکنیم.

نزدیک ظهر رییس‌جمهوری مرا احضار کرد، وقتی که وارد دفترش شدم او را خیلی افسرده و ناراحت دیدم. پیش از اینکه من سخن بگویم خود او شروع به صحبت کرد و گفت: «الان خبر بدی به من دادند. دو هلی‌کوپتر ما در شروع عملیات سقوط کرده است.» و بلافاصله اضافه کرد: «اما من برای دادن این خبر شما را احضار نکرده‌ام. ونس (وزیر خارجه آمریکا) می‌خواهد استعفا بدهد.» از شنیدن این خبرها گیج و مبهوت شدم. سقوط هلی‌کوپترها و احتمال شکست عملیات نجات و استعفای ونس ضربه سنگینی بود. کارتر که متوجه بهت و ناراحتی من شده بود، گفت: «راجع به این موضوع فعلاً با هیچ کس صحبت نکن، من فقط ماندن را در جریان گذاشتم. فکر کن چه باید بکنیم.»

کارتر پس از بیان این مطلب بلند شد و به



اتفاق به طرف اتاق کابینه رفتیم. مانند (معاون رییس‌جمهور)، ونس، برژینسکی (مشاور امنیت ملی) و جودی پاول (سخنگوی مطبوعاتی رییس‌جمهور) دور میز نشسته بودند و براون (وزیر دفاع) هم چند دقیقه بعد وارد شد. براون خبر داد که شش هلی‌کوپتر به منطقه معروف به «بیابان ۱» (صحرائی طبس) رسیده‌اند ولی دو هلی‌کوپتر در بین راه سقوط کرده یا در جایی فرود آمده و نتوانسته‌اند به مقصد برسند. براون افزود: اگر اشکال دیگری پیش نیاید و در موقع ورود هواپیماها و هلی‌کوپترها به فضای ایران متوجه آن‌ها نشده باشند برنامه پیش‌بینی شده را با شش هلی‌کوپتر هم می‌توان انجام داد.

پس از ختم جلسه هر یک به اتاق‌های خود رفتیم و با ناراحتی در انتظار شنیدن خبرهای تازه‌ای بودیم. ساعت چهار و نیم بعدازظهر جلسه‌ای درباره برنامه مبارزات انتخاباتی داشتیم، اما فکر ما متوجه وقایعی بود که هزاران کیلومتر دورتر از ما در میان بیابانی متروک جریان داشت. انتظار ما زیاد به طول نینجامید و با تلفن کارتر، من و ماندیل و جودی هر سه به طرف دفتر رییس‌جمهوری به راه افتادیم.

کارتر با حالتی پریشان در پشت میز دفتر کار خصوصی خود ایستاده بود و با برژینسکی صحبت می‌کرد. وقتی ما وارد شدیم، گفت: «خبر بدی برایتان دارم. باید ماموریت نجات را لغو کنیم!»

هر سه ما بهت‌زده شدیم و در آن لحظه هیچ یک نمی‌دانستیم چه باید بگوییم. کارتر ادامه داد: «دو هلی‌کوپتر به مقصد نرسیده و از شش هلی‌کوپتر باقیمانده یکی دچار نقص فنی شده است. با پنج هلی‌کوپتر هم نمی‌توان به موفقیت برنامه امیدوار بود.»

من گفتم: «نظر سرهنگ بکویت (فرمانده کماندوهای آمریکایی) چیست؟» کارتر گفت: «من با بکویت و ژنرال جونز و هارولد (براون) صحبت کردم. هر سه آن‌ها می‌گویند باید

برنامه را لغو کنیم.»

در این موقع ونس و براون هم به جمع ما پیوستند. کارتر پشت میز خود نشست و چند ثانیه سکوت برقرار شد. هر کسی در درون خود به عاقبت کار می‌اندیشید و یارای سخن گفتن نداشت. این سکوت مرگبار را صدای زنگ تلفن شکست. کارتر گوشی را برداشت و گفت: «دیوید (جونز) چه خبر؟»

ما حرف‌های جونز (رییس ستاد مشترک نیروهای مسلح) را نمی‌شنیدیم، ولی حالت چهره کارتر و پریدگی رنگ او نشان می‌داد که خبرهای بدی می‌شنود. کارتر لحظه‌ای چشمانش را بست و در حالیکه به زحمت آب دهانش را قورت می‌داد، پرسید: «آیا کسی هم مرده است؟... همه ما به دهان

جنگ شناختی به دلیل تأثیرات گسترده‌ای که بر جوامع مدرن دارد، به یکی از مهم‌ترین موضوعات در عرصه امنیت ملی و بین‌المللی تبدیل شده است. این نوع جنگ، با تمرکز بر ذهن و ادراک انسان‌ها، می‌تواند بدون نیاز به درگیری‌های فیزیکی، تأثیرات عمیقی بر جامعه هدف بگذارد؛ همچنین باید توجه داشت که سرعت تحول در این نوع جنگ بسیار بالاست»

و چشمان او زل زده بودیم. چند ثانیه بعد گفت: «می‌فهمم... می‌فهمم» و گوشی تلفن را گذاشت. هیچ کس سوالی نکرد تا اینکه خود کارتر پس از چند ثانیه سکوت گفت: «مصیبت تازه‌ای پیش آمده. یکی از هلی‌کوپترها به یک هواپیمای سی‌۱۳۰ خورده و آتش گرفته و احتمالاً چند نفری هم کشته شده‌اند...»

هیچ کس حرفی نزد... و جای سخن گفتن هم نبود. فقط صدای ونس بود که سکوت را شکست و او هم به گفتن این چند کلمه اکتفا کرد که «آقای رییس‌جمهوری، من خیلی خیلی متاسفم...»

از اتاق کوچک دفتر خصوصی رییس‌جمهوری به اتاق کابینه رفتیم و در انتظار خبرهای تازه نشستیم. فوری‌ترین مساله این بود که بقیه افراد گروه سالم از ایران خارج شوند و پس از آن می‌بایست درباره آنچه باید به ملت آمریکا و کشورهای دوست و متحدان و رهبران کنگره و خانواده‌های گروگان‌ها گفته شود تصمیم بگیریم. تصور اینکه گروهی از داوطلبان نجات گروگان‌ها، خود جان باخته و در یک بیابان دور در آن سوی دنیا به خاک هلاک افتاده‌اند چون کابوسی بر فکر و روح من سنگینی می‌کرد. از اتاق کابینه بیرون آمدم تا کمی در هوای آزاد قسمت جنوبی کاخ قدم بزنم و افکار خود را منظم کنم، ولی هوای خفه و مرطوب بیرون بیشتر ناراحت‌م کرد. با حال تهوع به داخل کاخ برگشتم و به دستشویی خصوصی رییس‌جمهوری رفتم.»

اسنادی بر حقانیت نام خلیج فارس



رضا زرگر

اصطلاح «خلیج عربی» برای نخستین بار در دوره تحت قیمومت شیخ نشین‌های خلیج فارس توسط کارگزاران انگلیس و به طور ویژه از طرف یکی از نمایندگان سیاسی انگلیس مقیم در خلیج فارس به نام «رودریک اوون» در کتابی به نام حباب‌های طلایی در خلیج عربی نوشته شده است که «من در تمام کتب و نقشه‌های جغرافیایی نامی غیر از خلیج فارس ندیده بودم ولی در چند سال اقامت در سواحل خلیج فارس (بحرین) متوجه شدم که ساکنان ساحل عرب هستند بنابراین ادب حکم می‌کند که این خلیج را عربی بنامیم.»

این در حالی است که تا اوایل دهه ۱۹۶۰ درباره نام خلیج فارس هیچ گونه بحث و جدلی در میان نبوده است و در تمام منابع اروپایی و آسیایی و آمریکایی، دانشنامه‌ها و نقشه‌های جغرافیایی این کشورها از خلیج فارس در تمام زبان‌ها به همین نام یاد شده است.

از ورود (دجال) ممانعت کند. سپس پیامبر سه بار گفتند: (دجال) در دریای فارس و در، دریای روم نیست و سپس سه بار کف دست راست خود را بر کف دست چپ شأن زدند و در ذیل صفحه ۱۲۰ این کتاب نیز به صحیح بودن این حدیث با عبارت «رجاله الصحیح» اشاره شده است. همین حدیث نیز در چاپ جدیدتر این کتاب که در سال ۱۴۲۲ هجری قمری توسط دارالفکر بیروت به چاپ رسیده نیز آمده، که در جلد دوم، صفحه ۲۱۴، ذیل حدیث شماره ۲۱۶۸ قرار دارد و نکته قابل توجه دیگر این است که همین حدیث در جلد اول، صفحه ۲۹۸ و ۲۹۹ از کتاب (حدیث الزهری) نوشته شده توسط ابی الفضل عبید الله ابن عبدالرحمن، متوفی به سال ۳۸۱ هجری قمری نیز آمده است که این کتاب در سال ۱۴۱۸ هجری قمری توسط انتشارات اعضاء السلف در شهر ریاض عربستان سعودی به چاپ رسیده است. این حدیث صحیح در چند کتاب حدیثی اهل سنت آمده که عبارتند از کتاب «الایماء الی الزوائد الامالی و الاجزاء» و همچنین یکی از سندهای این روایت بصورت تقطیع یافته در کتاب صحیح «سنن ابی داوود السجستانی» که از جمله کتب صحیح و معتبر حدیثی است، ذکر شده که نشان از اعتبار سندی این روایت دارد.

از سوی دیگر کاوش‌های باستان‌شناسی در شهرهای ساحلی خلیج فارس، فرهنگ، هنر و اقتصاد ایرانیان را در گذشته‌های دور بر ما روشن می‌کند. این تمدن در شمال و جنوب خلیج فارس ریشه داشته و ساکنان کنونی همه بخش‌ها و کرانه و پس کرانه‌های خلیج فارس وامدار و میراث‌دار فرهنگ و تمدن ایرانی هستند. باستان‌شناسان در جای جای خلیج فارس هرچه بیشتر این کرانه‌ها را کاوش کنند، یادگارهای بیشتری از تمدن و فرهنگ و هنر ایرانی در آن خواهند یافت.

پس از اقداماتی که جاعلان در راستای بزرگترین جعل تاریخی در تغییر نام خلیج فارس انجام دادند، واکنش‌های بسیاری در ایران در پی داشت و در این راستا اسناد متعدد و معتبر تاریخی نیز در اختیار جهانیان قرار گرفت، سندی در اثبات حقانیت نام خلیج فارس کشف شد که سندی مقدس و معیاری برای سنجش افرادی است که خود را مسلمان و پیرو پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌دانند. نیما صفا محقق و پژوهشگر هرمزگانی در اسنادی از احادیث و گفتار رسول اکرم (ص) دال بر بحر فارس یا دریای فارس ارائه و منتشر کرد. در کتاب حدیث «مسند ابی یعلی الموصلی البغدادی» مربوط به اهل سنت حدیثی از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل شده که در آن پیامبر سه بار نام بحر فارس را از زبان مبارک خود جاری ساخته‌اند و این حدیث در صفحه ۱۱۹ و ۱۲۰ از جز چهارم کتاب مسند ابی یعلی الموصلی البغدادی آمده است و احمد ابن علی ابن المثنی التمیمی (۲۱۰-۳۰۷ ه. ق) مؤلف این کتاب نیز از بزرگان علم حدیث نزد اهل سنت است.

این کتاب توسط انتشاراتی «دارالثقافة العربیة» در سال ۱۴۱۲ هجری قمری در دمشق به چاپ رسیده است و درباره روایت این حدیث که توسط جابر ابن عبدالله انصاری از پیامبر اکرم (ص) نقل شده چنین آمده است: «حدثنا ابو هشام الرفاعی، حدثنا محمد بن فضیل، حدثنا الولید ابن جمیع، عن ابی سلمة بن عبدالرحمن، عن جابر.»

شرح حدیث: روزی پیامبر مکرم اسلام در جمع اصحابشان در خصوص دجال صحبت می‌فرمایند و نهایتاً این گونه بیان می‌دارند: «...المدینة، ما باب من ابوابها الا ملک مصلت سیفه یمنعه و بمكة مثل ذالک.» ثم قال: «فی بحر فارس، ما هو، فی بحر الروم ما هو، ثلاثا. ثم ضرب بکفه الیمنی علی الیسری. ثلاثا...» که ترجمه آن به این شرح است: در مدینه هیچ دروازه‌ای نیست مگر اینکه فرشته‌ای در حالی که شمشیرش را بیرون آورده

قدرت زبان فارسی در مهار جنگ شناختی

حجت الاسلام والمسلمین محمد مهدی ایمانی پور
رییس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از شاعران و اهالی فرهنگ و ادب فارسی، به نکات ارزنده‌ای در خصوص ماهیت ادبیات و شعر فارسی و جایابی آن در حوزه جهاد تبیین و جنگ رسانه‌ای با دشمنان اشاره فرمودند. معظم له در این خصوص تأکید کردند: «در عرصه جنگ رسانه‌ای، باید از میراث کم‌نظیر شعر و ادب فارسی به‌عنوان رسانه‌ای قدرتمند و اثرگذار و نافذ به بهترین وجه استفاده شود و پیام‌های دینی، تمدنی، ایرانی‌گری و ایستادگی و شجاعت به افکار عمومی دنیا منتقل شود.»

در تبیین فرمایشات رهبر حکیم انقلاب اسلامی، لازم است چند نکته اساسی را مدنظر قرار دهیم؛

نخست اینکه شعر و ادبیات فارسی نه یک ابزار ساده انتقال پیام، بلکه رسانه‌ای مهم و تأثیرگذار در دوران جنگ رسانه‌ای است. بر همین مبنا، تثبیت و تقویت جایگاه زبان غنی فارسی در دنیای امروز یک راهبرد جدی به شمار می‌آید. باید توجه داشت که ادبیات و شعر ذاتاً با طبیعت و فطرت انسان‌ها ارتباط برقرار می‌کند و نظم و نثری که منطبق بر این سرشت الهی و خدادادی باشد، بر روح و جان انسان‌ها تأثیر بسزایی خواهد گذاشت. بدون شک لطافت، ظرافت و مضامین عمیقی که در ادبیات فارسی وجود داشته و دارد، قابل قیاس با ادبیات کلاسیک بسیاری از کشورها و تمدن‌ها نیست. بنابراین، باید از این مزیت در راستای ایجاد یک تعامل فراگیر فرهنگی - تمدنی با دنیا استفاده کرد.

نکته دیگر اینکه عدم استفاده از ظرفیت زبان فارسی در تعامل با دنیا یا جایابی محدود آن در قاموس مراودات بین‌المللی، یک خطای محاسباتی، آن هم در نقطه اوج جنگ شناختی دشمن محسوب می‌شود. نظریه پردازان غربی در روند جهانی سازی (مطابق نظریه دهکده جهانی مک لوهان)، تلاش کرده‌اند فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها را هدف قرار داده و تمدن‌های اصیل را نابود یا تحریف کنند. در این مناقشه تمام عیار که شاهد تکمیل اجزای آن از سوی دشمنان هستیم، زبان فارسی نقش دژی محکم و استوار را ایفا می‌کند. به جرأت می‌توان گفت که ظرفیت تعاملی با دنیا از طریق نثر و نظم فارسی نامحدود است و هر اندازه در این مسیر حرکت کنیم، فرصت‌های بیشتری برای ما خلق خواهد شد.

نکته سوم، معطوف به جایگاه زبان فارسی در مواجهه با جنگ شناختی دشمن است. راهبرد کلان دشمنان در عرصه جنگ رسانه‌ای و شناختی به گونه ایست که اصلی‌ترین لایه ذهن، یعنی باورها را هدف قرار می‌دهد. اتفاقاً مخاطب شعر و نثر اصیل و غنی فارسی نیز باورهای درونی و غیر قابل

انکار انسان‌هاست. از همین نکته ظریف می‌توان دریافت که زبان فارسی چگونه هسته اصلی شناخت و باور انسان را در مواجهه با امواج سهمگین توطئه‌ها و طغیان‌های فکری دشمن ساز حفظ می‌کند. در جنگ شناختی دشمنان، تلاطم ذهنی افراد در مسیر گذار از خویشتن تعریف می‌شود و شعر و نثر اصیل و پویای فارسی انسان‌ها را به بازگشت به خویشتن و تعامل سازنده واقعی با هم‌نوعان خویش بر اساس الگوهای زندگی فردی، اجتماعی و بین‌المللی خداپسندانه فرا می‌خواند. تأکید رهبر معظم انقلاب در خصوص استفاده از «الفاظ محکم و استوار»، «مضمون‌یابی صحیح» و «بیان با کیفیت موضوعات» در عرصه شعر و ادب، ناظر بر همین حقیقت است. بدیهی است که در چنین مجرای بی‌همتا و ارزنده‌ای، پیام‌های دینی، اخلاقی، تمدنی و ایرانی ما به بهترین نحو ممکن و به دور از تحریف و کژتابی دیگران به مخاطبان دیگر کشورها عرضه خواهد شد.

نکته پایانی اینکه؛ فرمایشات رهبر معظم انقلاب اسلامی ناظر بر آن است که در قبال زبان فارسی، نباید صرفاً نگاهی شکلی و رایج داشت، بلکه باید آن را در مسیر جنگ نرم با دشمنان به کار گرفت. این نکته مهم، مصداق ضرورت کنشگری فعال و پویا در عرصه جهانی بر مبنای داشته‌های بی نظیر فرهنگ ایرانی - اسلامی است که بدون شک ادبیات فارسی یکی از مهم‌ترین آنهاست. بنابراین، باید نگاه محدود به شعر و ادبیات فارسی را با نگاهی جامع، روشمند و نتیجه‌گرایانه جایگزین کرد و در عرضه بین‌المللی آن، از تمامی روش‌های نوین و خلاقانه کمک گرفت.

تأکید مجدد رهبر حکیم انقلاب اسلامی به ضرورت شکل‌گیری «نهضت ترجمه»، علیرغم تلاش‌های صورت گرفته تا به امروز، حاکی از ضعف موجود در این عرصه است. سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به عنوان قرارگاه دیپلماسی فرهنگی کشور، این رویکرد تبیین‌کننده را نصب العین خود قرار داده و در این مسیر از ایده‌ها، ابتکار عمل‌ها و تجارب موفق، استقبال خواهد کرد.



ف گزارش

سپاه رتبه اول

گزارشی از سی و چهارمین دوره مسابقات قرآن کریم نیروهای مسلح

نهادند.» وی گفت: «از برکات نظام جمهوری اسلامی ایران همین بس که امروز شاهد هستیم در بدنه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، حافظین و مدرسین قرآن مشغول به خدمت هستند و حال آنکه در رژیم پهلوی، به قدری شرایط برای عناصر مؤمن بسته بود که هرگاه درجه دار یا سربازی اگر می‌خواست در یادگانی اقامه نماز داشته باشد، باید این فریضه را به دور از دید همگان و مخفیانه به جا می‌آورد.»

رقابت ۲۳۲ نفر

از برگزیدگان قرآنی نیروهای مسلح

در ادامه این مراسم سردار سرتیپ دوم پاسدار «حسین محبی» معاون فرهنگی و تبلیغات سپاه با اشاره به جایگاه جامعه قرآنی در نیروهای مسلح، اظهار داشت: «شما به‌عنوان جامعه قرآنی سرمایه‌های معنوی، قرآنی و افتخارآفرینان نیروهای مسلح هستید.» معاون فرهنگی و تبلیغات سپاه بیان داشت: «در این دوره از مسابقات ۲۳۲ نفر از برگزیدگان نیروهای مسلح با هم رقابت

جمهوری اسلامی ایران با ۱۱۲۰ امتیاز مقام اول، ارتش جمهوری اسلامی ایران با ۵۷۰ مقام دوم، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با ۵۴۰ مقام سوم و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح با ۸۰ امتیاز مقام چهارم را کسب کردند.

معجزه قرآن در انقلاب اسلامی ایران تبلور یافته است

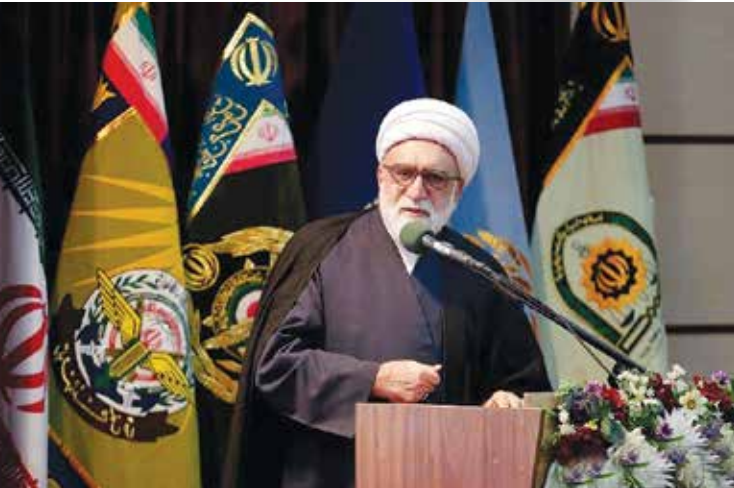
در این مراسم «حجت‌الاسلام والمسلین احمد مروی» تولیت آستان قدس رضوی اظهار داشت: «قرآن کریم مهم‌ترین معجزه پیامبر اسلام (ص) و بزرگ‌ترین اعجاز انبیا به شمار می‌آید؛ زیرا معجزه هیچ یک از پیامبران به منزلت کلام‌الله مجید نمی‌رسد.» مروی با بیان اینکه در زمان معاصر ما معجزه قرآن مجید در انقلاب اسلامی ایران تبلور یافته است، در ادامه یادآور شد: «امام خمینی (ره) با عمل به آیه ۴۶ سوره سبا «قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بَوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَنَّیْ وَفَرَادَى» بنای انقلاب اسلامی را بنیان

سی و چهارمین دوره مسابقات قرآن کریم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران ویژه کارکنان رسمی و وظیفه با رویکرد اتحاد و همدلی در ۱۱ رشته به میزبانی سپاه پاسداران در مجتمع فرهنگی امامت مشهد با معرفی برگزیدگان به کار خود پایان داد. در این رویداد بزرگ قرآنی، ۲۳۲ نفر از برگزیدگان نیروهای مسلح از ۱۶ بهمن در رشته‌های قرائت تحقیق، قرائت ترتیل، حفظ کل قرآن، حفظ ۲۰، ۱۵، ۱۰ و پنج جزء، اذان، مفاهیم و نکات تفسیری با هم رقابت کردند. در بخش تیمی برادران پایور، تیم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۰۰۰ امتیاز، فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ۷۸۰ امتیاز، ارتش جمهوری اسلامی ایران ۴۰۰ امتیاز و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح ۲۶۰ امتیاز کسب کردند و به ترتیب مقام اول تا چهارم را به خود اختصاص دادند. در بخش برادران وظیفه، فرماندهی انتظامی



کردند و داوری این رویداد بزرگ قرآنی با بهره‌گیری از برترین داوران کشوری و بین‌المللی صورت گرفت.»

سردار محبی با اشاره به فرآیند مسابقات قرآن کریم، خاطرنشان کرد: «برای این دوره از مسابقات قرآن، فرآیند منظم و دقیقی طراحی شد؛ به گونه‌ای که به اذعان داوران، این مسابقه از سطح بسیار بالایی برخوردار بود و کارنامه هر یک از چهره‌های قرآنی بلافاصله پس از رقابت به آنان ارائه می‌شد تا اگر اعتراضی داشتند، بررسی و لحاظ شود.»



معاون فرهنگی و تبلیغات سپاه با قدردانی از فرماندهان و مسئولان نیروهای مسلح گفت: «انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب قرآنی است. در همین راستا امسال در مسابقات قرآن سپاه پاسداران رشته حفظ موضوعی قرآن اضافه شد که الحمدلله چهره‌های قرآنی از آن استقبال کردند.»

تأسی به قرآن عامل پیشرفت کشور است

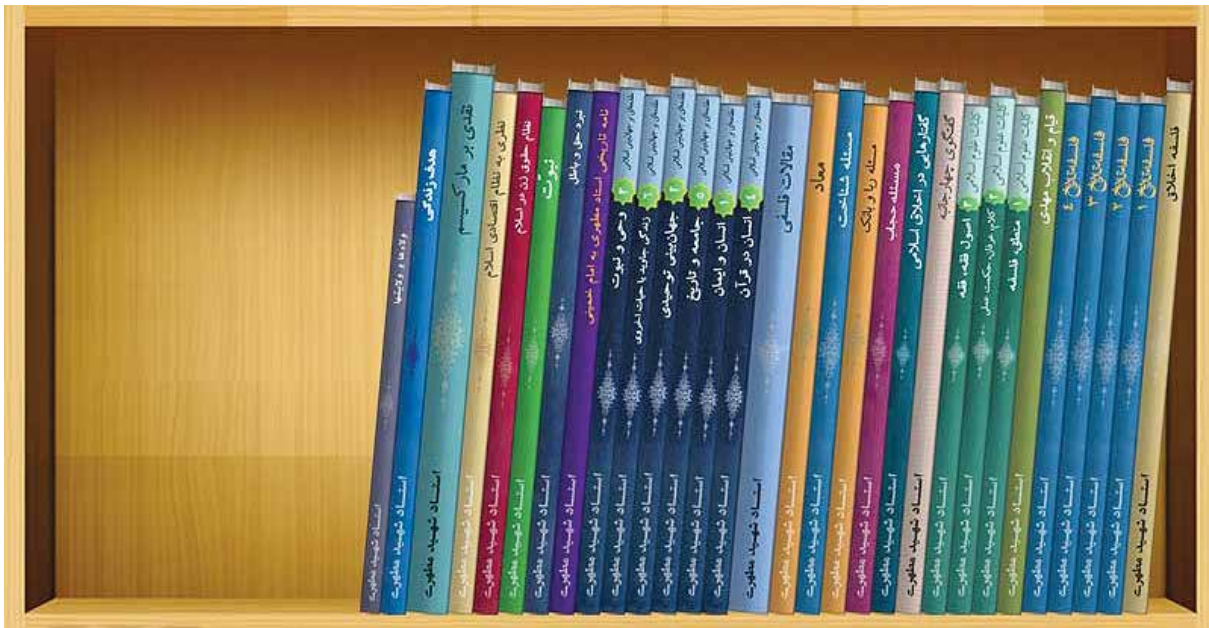
«حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله حاجی‌صادقی» نماینده ولی فقیه در سپاه در پیامی به شرکت‌کنندگان در سی و چهارمین دوره مسابقات سراسری قرآن کریم نیروهای مسلح تأسی به قرآن و تبعیت از ولایت را عامل استحکام و پیشرفت کشور دانست و تأکید کرد: «بعثت پیامبر اکرم (ص) مبدأ نزول آخرین، کامل‌ترین و جامع‌ترین کتاب آسمانی و قرآن است که تضمین‌کننده هدایت سعادت و راهیابی به صراط مستقیم است که انسان‌ها را به مقصد و هدفی که برای آن آفریده شده‌اند، می‌رساند؛ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (ابراهیم/ ۱).»



وی افزود: «قرآن حاصل و خروجی بعثت و شأن نبوی پیامبر اکرم (ص) است. چنانچه امامت و رهبری امت استمرار شأن ولایی آن حضرت است و مادامی که امت به معنای واقعی پیرو و متمسک به این دو ثقل - که حقیقت اسلام ناب هستند- باشد، هرگز توطئه‌ها و فتنه‌ها و تهاجم دشمنان و شیاطین نمی‌توانند آنها را از صراط مستقیم خارج و گمراه کنند؛ مَا مِنْ أُمَّةٍ نَسَتْهُمُ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا.»

نماینده ولی فقیه در سپاه در ادامه نوشت: «با معذرت‌خواهی از اینکه توفیق حضور در جمع شما را نیافتیم، از همه شما عزیزان درخواست می‌کنم در کنار قرائت و حفظ قرآن که بسیار مهم و تأثیرگذار است، نسبت به تدبیر و بصیرت در آیات الهی و معارف قرآنی که امروز بیش از همیشه به آن نیاز داریم، اهتمام بیشتری داشته باشید و مبنای جهاد تبیین خویش را قرآن و آیات آن قرار دهید که با وجود قرآن و ولایت، ما هیچ کمبودی نداشته و هرگز متزلزل و ناامید و متوقف نمی‌گردیم و این انقلاب اسلامی و قرآنی را زمینه و مقدمه ظهور قرار خواهیم داد؛ ان شاءالله.»





افق

مطهری خوانی، چرا و چگونه؟

فکری و علمی ایشان به مقولات تاریخی و منقضی شده تبدیل نشده‌اند: «کتاب‌های شهید مطهری، قابل مردن و تمام شدن نیست. مبدا کسی خیال کند که ما بعد از انقلاب تا حالا، که مرتب کتاب‌های شهید مطهری را طبع و نشر می‌کنیم، تکراری است. نه، در سخن حق و در کلام حکمت، تکرار نیست. هنوز جامعه و نسل جوان و جامعه‌ی فرهنگی و علمی ما به دانستن همان مطالبی که آن بزرگوار از زبان و قلمش فیضان کرد و در اختیار امت اسلام گذاشت، محتاج‌اند.»

فایده و ضرورت پرداختن به آثار استاد مطهری

پس از این، پرسش دیگری مطرح می‌شود و آن این است که «مطالعه و تأمل در آثار علامه مطهری، چه ضرورت و فایده‌ای

اقتضائات و ضرورت‌های جامعه‌ی آن زمان، دست به نظریه‌پردازی و تولید فکر زده است، می‌توان امروز و اکنون نیز از آثار ایشان بهره برد یا اینکه این آثار، رنگ کهنگی پذیرفته و در گذشته متوقف شده و به کار حال نمی‌آیند؟ در پاسخ باید گفت بسیاری از مسائلی که علامه مطهری درصدد حل آن‌ها برآمد، تنها ناظر بر الزامات و چارچوب‌های جامعه‌ی آن زمان نبودند، بلکه امروز نیز همان مسئله‌ها و پرسش‌ها و شبهه‌ها در ساحت فکری جامعه فعال و طنین‌انداز هستند و این‌گونه نیست که بتوان کلیت و تمامیت تفکر علامه مطهری را به تاریخیت متصف کرد. مقام معظم رهبری در سخنان مختلف خود، بر این ایده پای فشرده‌اند که نسل و جامعه‌ی امروز نیز همچون گذشته، به‌شدت نیازمند تفکرات و نظرات علامه مطهری است و فرآورده‌های

مهدی جمشیدی یکی از دغدغه‌های فرهنگی همیشگی رهبر انقلاب این بوده که نسل جوان و فعالان فکری جامعه‌ی کنونی ایران، ارتباط مستحکم با آثار به‌جامانده از علامه مطهری برقرار کنند. بنابراین با پاسخ به این سؤال که «آیا گفتارها و نوشتارهای علامه‌ی شهید، ارزش مطالعه‌ی جدی و هدایت‌شده را دارد یا خیر؟» باید به‌صورت قطعی جواب داد که نه تنها ارزش و مطلوبیت دارد، بلکه ضرورت و فوریت دارد.

آثار استاد مطهری و تحولات زمانه

در همین راستا، یک پرسش شایع مطرح می‌شود و آن این است که آیا با توجه به اینکه علامه مطهری در مواجهه با

دارد؟» این پرسش نیز پرسش مهمی است. مطالعه‌ی آثار جناب علامه، می‌تواند گره‌های متعددی را از نسل و جامعه‌ی امروز ما بگشاید. یکی اینکه چون تداوم یافتن نظام اسلامی وابسته به تداوم یافتن هویت ایدئولوژیک نظام اسلامی در ذهنیت جمعی است و همچنین از آنجا که هویت ایدئولوژیک نظام اسلامی مبتنی بر تفکر علامه مطهری است، بنابراین بقای خط فکری علامه‌ی شهید در جامعه، به معنی پیوستگی و تداوم یافتن حیثیت ماهوی نظام اسلامی است؛ آن‌چنان که مقام معظم رهبری اظهار داشته‌اند:

«آثار استاد شهید مطهری، مبنای فکری نظام جمهوری اسلامی ایران است. دیگران به مقدمات این انقلاب خیلی کمک کردند، ولی افکار آن‌ها در ساخت نظام جمهوری اسلامی ایران، نقش آن‌چنانی نداشته است. [...] اگر ما بخواهیم این نظام در ذهن مردم عمق پیدا کند و حرکات انقلابی این مردم همچنان ادامه یابد، بایستی افکار استاد شهید مطهری در میان مردم رواج یابد.»

چگونگی پرداختن

به آثار استاد مطهری

تاکنون به سه پرسش اساسی درباره‌ی مطالعه‌ی آثار علامه مطهری از منظر رهبر انقلاب پاسخ داده‌ایم که مربوط به «ارزش و اهمیت آثار علامه»، «عدم تاریخت آثار علامه» و «ضرورت پرداختن به آثار علامه» بودند. پس از این‌ها، پرسش دیگری نیز باید مورد تأمل قرار بگیرد با این مضمون که «چگونه باید به آثار علامه مطهری پرداخت؟»

به عبارت دیگر، مقصود از پرداختن به آثار ایشان چیست؟ چه نوع و صورتی از فعالیت علمی باید در زمینه‌ی آثار ایشان انجام بگیرد؟ با آثار ایشان چه کنیم؟ در این رابطه نیز مقام معظم رهبری، نکات بسیار ارزشمندی را مطرح کرده‌اند که راهگشا و چراغ راهنمای نگارنده در این مقاله

بوده است. به‌طور کلی، ایشان درباره‌ی نحوه‌ی پرداختن به آثار علامه و چگونگی بهره‌برداری پژوهشی از آن‌ها دو نظر ابراز کرده‌اند. یک نظر این است که محقق مسلمان برای پژوهش در حوزه‌ی علوم اسلامی و انسانی، می‌باید خود را از رجوع به آثار علامه، بی‌نیاز قلمداد نکند، بلکه افزون بر این، نتیجه‌ای که جناب علامه به آن دست یافته را «مبنا» و «نقطه‌ی شروع» بینگارد و در امتداد آن، دست به نظریه‌پردازی دینی و تولید تفکر اسلامی بزند. در واقع علامه‌ی شهید، بخش‌هایی از این مسیر را پیموده و یافته‌هایی ارزشمند از خود به‌جا نهاده است. منطقی و معقول این است که راه را ادامه دهیم، نه اینکه مسیر پیموده‌شده را نادیده بگیریم:

«[باید] خاستگاه فکری (که موضوعات متنوعی در نوشته‌ها و گفتارهای شهید مطهری مشاهده می‌شود) به‌عنوان نقطه‌ی شروع به حساب آوریم و متفکران ما درباره‌ی آن‌ها به‌خوبی بیندیشند، زیرا سخنان این شهید حاوی معارف و مسائل بسیار ارزنده‌ای است که می‌تواند نقطه‌ی شروع خوبی در مسیر تفکر و اندیشه باشد.»

«آثار استاد شهید مطهری، مبنای فکری نظام جمهوری اسلامی ایران است. دیگران به مقدمات این انقلاب خیلی کمک کردند، ولی افکار آن‌ها در ساخت نظام جمهوری اسلامی ایران، نقش آن‌چنانی نداشته است. اگر ما بخواهیم این نظام در ذهن مردم عمق پیدا کند و حرکات انقلابی این مردم همچنان ادامه یابد، بایستی افکار استاد شهید مطهری در میان مردم رواج یابد.»

تفکر استاد مطهری

به‌مناب «مرحله» نه «مقصد»

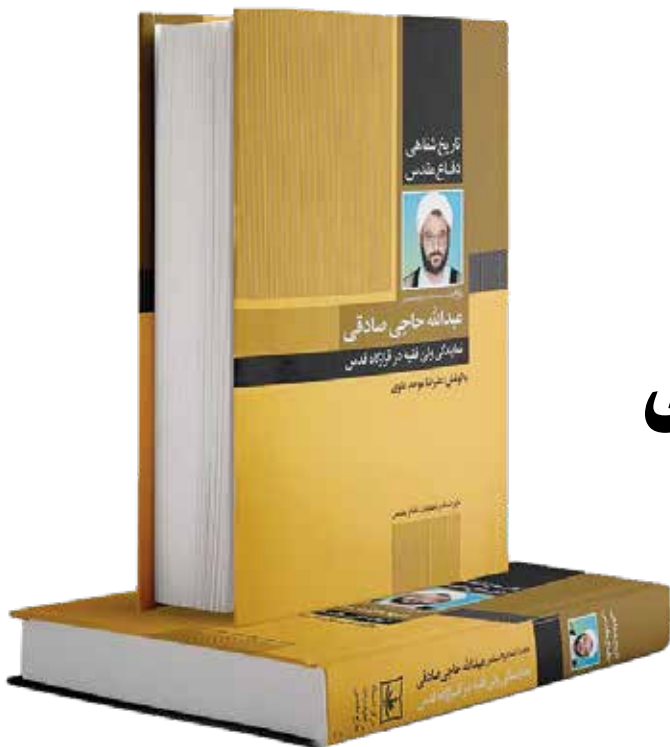
با وجود این تأکیدهای مکرر و غلیظ درباره‌ی ضرورت پرداختن به افکار و آثار علامه مطهری، نباید تصور کرد که می‌توان برای همیشه به ایشان اکتفا کرد و در یافته‌ها و فرآورده‌های فکری ایشان، متوقف و ساکن ماند. خاصیت علم این است که در هیچ نقطه‌ای متوقف نمی‌شود و همواره در حال پیشرفت و گسترش است. جناب علامه را نمی‌توان نقطه‌ی پایان و نهایت علم قلمداد کرد و از حرکت بازایستاد. همه گفته‌ها و نکته‌های پیش از این، دلالت بر ارزش و اعتبار والای میراث فکری و علمی علامه‌ی شهید دارد، نه متوقف ماندن در ایشان. زمانه همواره آبستن پرسش‌ها و مسئله‌های نو و پیچیده‌تری است که در گذشته، موضوعیت نداشته‌اند و ما باید امروز و اکنون، پاسخ‌ها و راه‌حل‌های متقنی برای آن‌ها بیابیم. نمی‌توان در زیر سایه گذشتگان نشست و همه مسائل و چالش‌های نظری را به آن‌ها ارجاع داد و از آن‌ها پاسخ طلبید. منطقی این است که بر شانه‌های گذشتگان بنشینیم و مرزهای علم را به تصرف خود درآوریم:

«ما نمی‌توانیم در شهید مطهری متوقف شویم. [...] نیازهای فکری روزبه‌روز و نوبه‌نو می‌شود و جریان ورود به چالش با افکار وارداتی و نقادی علمی و تفکیک صحیح از سقیم آن، از وظایف مهمی است که باید ادامه پیدا کند و ما در دهه‌های آینده به مطهری‌ها نیاز مبرم داریم.»

تفکر علامه مطهری یک «چارچوب» است که می‌توان همچون یک «بنیان» به آن تکیه کرد و پیش رفت و شخص مطهری یک «الگو» است که می‌باید امروز و فردا، «تکثیر» شود تا انقلاب از عهده‌ی حل مسائل و دشواری‌های نظری و ایدئولوژیک خود برآید و دچار انسداد و رکود نشود. بنابراین ما هم به «مطهری گذشته» نیازمندیم و هم به «مطهری‌های آینده.»

در آیین رونمایی از تاریخ شفاهی دفاع مقدس
به روایت دکتر حاجی صادقی عنوان شد

فرهنگ دفاع مقدس ضامن حیات نظام ولایی



علیرضا جلالیان

در آیین رونمایی از «تاریخ شفاهی دفاع مقدس به روایت حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله حاجی صادقی نماینده ولی فقیه در قرارگاه قدس» با حضور راوی کتاب حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله حاجی صادقی، نماینده ولی فقیه در سپاه، سردار علی فضلی جانشین معاون هماهنگ‌کننده سپاه، جمعی از نویسندگان و پژوهشگران دفاع مقدس، سردار رمضان شریف سخنگو و مسئول روابط عمومی کل سپاه، سردار مزینانی مسئول واحد تبلیغات جبهه و جنگ قرارگاه خاتم‌الانبیاء در دوران دفاع مقدس، سردار حسین علایی فرمانده قرارگاه نوح و نیروی دریایی سپاه در دوران دفاع مقدس، سردار احمد غلامپور فرمانده قرارگاه کربلا در دوران دفاع مقدس، سردار فلاح‌زاده جانشین فرمانده نیروی قدس سپاه، سردار یزدان فرمانده تیپ ۲۰ زرهی سپاه در دفاع مقدس، سردار نصرالله فتحیان، سردار فرجیان‌زاده معاون هماهنگ‌کننده حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه و جمعی از مسئولان نمایندگی ولی فقیه در سپاه و همچنین سردار علی محمد نائینی رئیس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس حضور داشتند.

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله حاجی صادقی، نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این مراسم با اشاره به اینکه من خودم را بازنده امتحان الهی در دوران دفاع مقدس می‌دانم، یادآور شد: «جانشین سردار فضلی در لشکر ۱۰ سیدالشهداء شهید شده بود. قرار بود شهید می‌شدم در آن مراسم سخنرانی کند. به ایشان گفتم «آقای میثمی حیث شد در کربلای ۵ خیلی شهید دادیم»، برگشت و نگاه تندی به من کرد و گفت «حیث شد؟! به خدا قسم می‌بینم یک روزی این جنگ تمام می‌شود، تو مدام دست پشت دست می‌زنی و می‌گویی باختم، باختم، باختم». حالا گاهی پشت دست که هیچ، بر سرم می‌زنم و می‌گویم باختم، چه فرصتی بود! «فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ»؛ این هدیه الهی است.» نماینده ولی فقیه در قرارگاه قدس در دوران دفاع مقدس با اشاره به رونمایی از کتاب تاریخ شفاهی خود، اظهار کرد: «این کتاب‌ها کار آنهاست و تمام تلاش من این بوده است که نقش طلبه‌های تبلیغی رزمی و چهار هزار شهیدی را که عمده‌شان بیش از سه هزار و خرده‌ای از آنها برای دفاع مقدس هستند، نشان بدهیم.»

انقلاب اسلامی بدون فرهنگ دفاع مقدس بقا ندارد

وی با اظهار به اینکه دفاع مقدس تجلی فرهنگ عاشورا بود، بیان کرد: «ما باورمان این است که بعثت تاریخ تولد اسلام بود، اما عاشورا تضمین‌کننده

حیات ابدی بعثت بود. فرهنگ عاشورا اگر نبود بعثت زنده نمی‌ماند، این یک واقعیت است. بعثت با فرهنگ عاشورا زنده می‌ماند. انقلاب اسلامی تولد جدید اسلام ناب و بعثت بود، دفاع مقدس تجلی فرهنگ عاشورا بود، همان‌طور که بعثت بدون فرهنگ عاشورا زنده نمی‌ماند، انقلاب اسلامی بدون فرهنگ دفاع مقدس بقا ندارد. دفاع مقدس پایان یافت، فرهنگش پایان نمی‌یابد. عاشورا یک روز بود، اما همه زمین‌ها و همه زمان‌ها را درنوردید، طلوعی شد بی‌غروب و آغازی بی‌پایان.»

حجت‌الاسلام والمسلمین حاجی صادقی تأکید کرد: «اگر ۴۵ سال است نظام ولایی مانده است، به برکت همان فرهنگ است. امروز هم فرهنگ دفاع مقدس است که ما را در همه عرصه‌ها مدیریت و هدایت می‌کند.» وی دفاع مقدس را فرهنگ تولید برشمرد و بیان کرد: «دفاع مقدس فرهنگ جهاد، فرهنگ مقاومت، فرهنگ ایستادگی، فرهنگ سازش‌ناپذیری در برابر ظالمان و ستمگران و فرهنگ جهاد بود. ما از قرآن یاد گرفتیم که مؤمن هیچ روزی نمی‌تواند در حال جهاد نباشد. زندگی بدون جهاد زندگی مؤمنانه نیست، منتها یک روز مصداق این جهاد در قالب دفاع مقدس بود، یک روز در حضور در دفاع از حرم اهل بیت(ع) بود، امروز هم صحنه‌های دیگر است. اصل این است که آن سه خصوصیت جهاد وجود داشته باشد. تلاش پیگیر و به تعبیر اخیر رهبر معظم انقلاب تلاش شبانه‌روزی، دوم جهاد در برابر دشمن باید باشد.»

نماینده ولی فقیه در سپاه متذکر شد: «هر عمل صالح شبانه‌روزی جهاد نیست، زدن دشمن، باید در آن مبارزه باشد.» وی افزود: «سوم که از همه مهم‌تر است، فی سبیل‌الله بودن است. امروز هم جهاد مصادیق دارد، اما مبنا و اساسش همان فرهنگی است که دفاع مقدس به ما یاد داد.»

حجت‌الاسلام والمسلمین حاجی صادقی با اشاره به اینکه دفاع مقدس



مغز و خرمشهر قلب را تصاحب کند، اجازه ندهید تصرف کند.»

روحانیون دوش به دوش به رزمندگان در صحنه های نبرد

در ادامه سردار علی فضلی، جانشین معاون هماهنگ کننده سپاه پاسداران با اشاره به حضور روحانیون در خطوط جبهه بیان کرد: «وقتی در خطوط مقدم نگاه می کنیم، می بینیم که روحانیون، چه روحانی تبلیغی و چه روحانی رزمی و چه عزیزانی که در سبک مدیریت اسلامی و پیاده کردن آن عامل بودند، دوش به دوش رزمندگان در صحنه های نبرد حضور داشتند؛ از جمله شهید بزرگوار شهید میثمی که برای همه رزمندگان الگو بودند.»

بنابر این گزارش، از کتاب «تاریخ شفاهی دفاع مقدس به روایت حجت الاسلام والمسلمین عبدالله حاجی صادقی نماینده ولی فقیه در قرارگاه قدس» رونمایی شد و از علیرضا موحد علوی مجری و حجت الاسلام والمسلمین عبدالله حاجی صادقی راوی کتاب تجلیل به عمل آمد.

حضور روحانیت تا گردان و دسته

سردار علی محمد نائینی، مشاور فرمانده کل سپاه و رئیس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس به نقش روحانیت در دفاع مقدس اشاره و عنوان کرد: «روحانیت در نقش های مختلف در دفاع مقدس، فرماندهی قرارگاه تا گردان و دسته یا نمایندگان ولی فقیه و یا در نقش های تبلیغی عقیدتی در سپاه در امتداد حضرت امام خمینی (ره) بودند. همچنین در تبیین اندیشه دفاعی حضرت امام رضوان الله علیه و حفظ و ارتقای روحیه ملی و رزمی و مقابله با عملیات روانی دشمن نقش جدی داشتند.»

رئیس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس با اظهار به اینکه در جامعه آماری ۴۵۰ نفره تاریخ شفاهی فرماندهان و مدیران ارشد، قرارگاهی، یگان های رزم و رده های تخصصی در دفاع مقدس، ۷۵ نفر از روحانیون عالی قدر قرار دارد، گفت: «این عزیزان در قامت فرمانده قرارگاه تا گردان، مسئولان دفاتر نمایندگی حضرت

پایان ناپذیر است، تصریح کرد: «دفاع مقدس تاریخ نیست، هویت انقلاب و عامل بقای انقلاب است. ما انقلاب مان را در پرتو دفاع مقدس حفظ کردیم و صادر کردیم و امروز خدا را شاکریم. امروز دشمن می خواهد جوان های ما را از منکم من یزیدالآخره به منکم من یزید الدنیا تبدیل کند.»

وی یادآور شد: «امروز جهاد من و شما این است که با جهاد تبیین مان، با جهاد شبانه روزی و دلسوزی مان، با محبت مان به این بچه ها و جوان ها واقعیت ها و مسیر درست را نشان دهیم. در دفاع مقدس شما فرماندهان می فرمودید اگر گلوله دشمن آمد به جسم جوان های ما خورد، به سنگ خورده است، اگر مدرسه را خراب کرد می سازیم، اما خدا نکند گلوله دشمن به ایمان بچه های ما بخورد. آنجا تیرش به هدف خورده است، آنجا تلفاتش افتخار نیست، آنجا شهید نیست، آنجا به خسران رفتن است. امروز از خدا کمک بخواهیم شرمنده این شهدا نباشیم.»

حجت الاسلام والمسلمین حاجی صادقی به نقش یادگاران دوران دفاع مقدس در زمان حال اشاره کرد و گفت: «شما فرماندهانی که والمستشهدین بودید، حال که مانده اید یک رسالت سنگین دارید، اجازه ندهید این فرهنگ کمرنگ شود، اجازه ندهید این فرهنگ فراموش شود.»

وی با قدردانی از ریاست و کارکنان مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس گفت: «از سردار نائینی و از همه دوستانی که زحمت می کشند به نوبه خودم تشکر می کنم. این فرهنگ را نگه دارید. امروز هم این بچه ها به این فرهنگ نیاز دارند، امروز هم ما نیاز داریم به این بچه ها یاد بدهیم، لذت که همه اش در شکر و عسل و اینها نیست، من گاهی به جوان ها می گویم فکر نکنید ما جبهه را تحمل می کردیم، چه سختی هایی، چه مشکلاتی وجود داشت، اما وقتی که برای خدا می شد یک لذتی داشت که هیچ چیز نمی توانست جای آن را بگیرد و این را به این بچه های نسل امروز بچسانید تا بتوانند در برابر این هجمه سنگین دنیا که می خواهد خرمشهر

امام (ره)، مسئولان معاونت های عقیدتی، سیاسی، تبلیغات و فرهنگی در دوران دفاع مقدس به فعالیت های تعیین کننده ای مشغول بوده اند.»

سردار نائینی به کتاب «تاریخ شفاهی دفاع مقدس به روایت حجت الاسلام والمسلمین عبدالله حاجی صادقی نماینده ولی فقیه در قرارگاه قدس» اشاره و بیان کرد: «کتاب ایشان حاصل ۱۴ جلسه گفت و گو در پنج سرفصل است. علاوه بر پرداختن به نقش و مسئولیت های خودشان در دوران دفاع مقدس، حفظ و تکمیل هویت پاسداری دغدغه اصلی ایشان است.»

مشاور فرمانده کل سپاه پاسداران افزود: «همچنین در این کتاب به اندیشه دفاعی حضرت امام (ره)، نگاه تطبیقی برخی حوادث با صدر اسلام، نقش روحانیت در دفاع مقدس، ویژگی های مدیریتی و اخلاقی شهید محلاتی، ویژگی ها و سیره معنوی و مدیریتی شهید میثمی و چگونگی شکل گیری تیپ ۸۳ امام صادق (ع) به خوبی پرداخته شده است.»



سپاه پاسداران چگونه تأسیس شد؟

تنها چند ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ماه سال ۵۷ بود که حضرت امام خمینی (ره) در دوم اردیبهشت سال ۵۸ رسماً فرمان تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را صادر کردند. در آن زمان اما شاید هیچ کس فکر نمی‌کرد این سازمان نوپا که برای حفاظت از انقلاب ملت ایران به وجود آمده است، در مدت‌زمان کوتاهی تنها چند سال پس از تأسیسش بتواند در مقابل انواع تهدیدات پیچیده داخلی و خارجی علیه نظام اسلامی ایستادگی و با آنها مقابله کند.

در آغازین روزهای پس از پیروزی انقلاب و تشکیل کمیته‌های انقلاب، دولت موقت که موافق استقلال عمل کمیته‌های انقلاب نبود و به فکر ایجاد نیرویی تحت عنوان گارد ملی و تحت نظر خود افتاد. بر همین اساس، با پیشنهاد مرحوم مهدی بازرگان رئیس دولت موقت، مرحوم حجت‌الاسلام حسن لاهوتی حکمی از امام برای تأسیس این نیرو دریافت می‌کند و ابراهیم یزدی هم از سوی دولت موقت مأمور همکاری با حجت‌الاسلام لاهوتی شد.

محسن رفیق دوست اما، در خاطرات خود روایت دیگری از تشکیل سپاه دارد که براساس آن فکر ایجاد نیرویی غیر از ارتش برای دفاع از انقلاب، اولین بار از سوی شهید محمد منتظری مطرح شده است. وی در بخشی از خاطرات خود درباره تشکیل سپاه می‌گوید: «اوایل اسفند - احتمالاً ۹ اسفند - آیت‌الله بهشتی که برای دیدار حضرت امام به مدرسه علوی آمده بود مرا صدا زد و گفت: «حاج محسن، حضرت امام الان حکم تشکیل سپاه پاسداران را زیر نظر دولت موقت به آقای لاهوتی دادند، بهتر است شما هم در این سپاه باشی. بلافاصله به محل جلسه در یادگان عباس‌آباد رفتم. وارد اتاق شدم. دیدم عده‌ای از آقایان از جمله دانش منفرد آشتیانی، غلامعلی افروز، ابراهیم سنجقی، علی محمد بشارتی، مرتضی الویری و چند نفر دیگر حضور دارند. آقای تهرانچی و آقای هاشم صباغیان هم از طرف دولت

موقت آمده بودند. کاغذی برداشتم و روی آن نوشتیم بسم الله الرحمن الرحیم - سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تشکیل شد: ۱. محسن رفیق دوست. بقیه هم‌اسم‌هایشان را نوشتند و سپاه پاسداران تشکیل شد. هفت نفر به‌عنوان شورای فرماندهی انتخاب شدند. آقای دانش آشتیانی شد فرمانده سپاه، آقای غلامعلی افروز مسئول امور پرسنلی، آقای محمدعلی بشارتی مسئول اطلاعات، آقای الویری مسئول روابط عمومی و من هم مسئول تدارکات شدم.»

سپاه کم‌کم داشت شکل می‌گرفت که گروه‌های دیگر وفادار به انقلاب نیز تشکلهای جداگانه‌ای را برای حفاظت مسلحانه از انقلاب اسلامی به وجود آوردند. یکی از این تشکلهای در یادگان جمشیدیه تهران و با حضور جواد منصوری، عباس آقا زمانی (ابو شریف)، عباس دوزدوزانی و ابراهیم حاج محمد زاده تشکیل شد و رابط این گروه با شورای انقلاب مرحوم آیت الله موسوی اردبیلی بود.

گروه دیگر هم، گارد دانشگاه بود که زیر نظر شهید محمد منتظری اداره می‌شد. این گروه که در ارتباط با شهید بهشتی بود، از افرادی که در فلسطین آموزش چریکی دیده بودند تشکیل می‌شد و در کنار آنها برخی افسران ارتش مانند شهید کلاهدوز، شهید نامجو و کتیرایی را نیز برای آموزش نیروها به کار گرفت.

حدود ۴ گروه مسلح با یک هدف مشترک به نام حراست از انقلاب شکل گرفته بود که هر کدام از آنها حفاظت از انقلاب اسلامی را وظیفه خود می‌دانستند اما بروز اختلافات و اصطکاک بین آنها اجتناب‌ناپذیر می‌نمود. لذا ضرورت ادغام این تشکلهای و تشکیل یک سازمان منسجم بیش از پیش احساس می‌شد.

بنابراین، نمایندگانی از این چهار گروه در جلسه‌ای گرد هم می‌آیند و می‌پذیرند که با یکدیگر ادغام‌شده و سازمانی منسجم و یکپارچه را به وجود بیاورند تا به‌وسیله آن بتوان به اوضاع امنیتی کشور سر و سامانی داد.

محسن رفیق دوست که آن روزها در سپاه پاسداران زیر نظر حجت‌الاسلام لاهوتی فعالیت می‌کرد، در بخشی از خاطرات خود این موضوع را این‌چنین روایت می‌کند: «احساس می‌کردم این سپاهی که در حال شکل‌گیری است، سپاهی نیست که مدنظر امام (ره) بوده است. از طرف دیگر در ۳ تشکل دیگر هم نیروهایی به صورت مسلح فعالیت می‌کردند که شامل گارد انقلاب تحت نظر ابو شریف، گارد دانشگاه (پاسا) با نظارت شهید محمد منتظری و افراد گروه‌های مسلح مبارز قبل از انقلاب که سازمان مجاهدین شکل داده بود، می‌شدند. پانز ۵۸ ابوشریف و شهید منتظری و شهید محمد بروجردی از سوی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را دعوت کردم و در اتاقی که در آنجا جمع شده بودیم را قفل کردم. یک کلت کمری ۴۵ داشتم آن را روی میز گذاشتم و گفتم افرادی که از هر ۴ گروه موجود می‌شناسم، همه یک هدف را تعقیب می‌کنند که ایجاد نیرویی برای حفاظت از انقلاب است.



سپاه پاسداران را بسیار عزیز و گرمی می‌دارم. چشم من به شماست. شما هیچ سابقه‌ای جز سابقه اسلامی ندارید. سلام مرا به همه برسانید. من از همه شما متشکرم. من به همه دعا می‌کنم.» (صحیفه امام، ج ۹ ص ۳۱۴)

اما دوم اسفندماه ۵۸ زمانی که بنی‌صدر فرمانده کل قوا می‌شود، روز بعدش منصوری از فرماندهی سپاه استعفا می‌دهد. معاونت فرهنگی و کنسولی وزارت امور خارجه، سفارت ایران در پاکستان، ریاست مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه و سفارت ایران در چین از جمله مسئولیت‌های او بعد از فرماندهی سپاه است و هم اکنون نیز به عنوان پژوهشگر تاریخ معاصر فعالیت می‌کند.

حال با گذشت بیش از چندین دهه از تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، این نهاد انقلابی تبدیل به یکی از اصلی‌ترین نهادها برای حفاظت و حراست از دستاوردهای انقلاب اسلامی در ابعاد مختلف تبدیل شده است.

مسئول اداری و مالی، محسن رفیق‌دوست به سمت مسئول تدارکات و مرتضی الویری به سمت مسئول روابط عمومی تشکیل می‌شود. در پی این تصمیم، جواد منصوری اولین فرمانده سپاه در تاریخ ۱۳۵۸/۲/۱۱ با صدور اطلاعیه‌ای ۸ ماده‌ای دستورالعمل جدید سپاه را صادر و طی آن نکاتی را به پاسداران انقلاب اسلامی تذکر می‌دهد.

در این برهه زمانی سپاه با اینکه سازمانی نوپا و متشکل از جوانان انقلابی بود، فعالیت‌های خوبی در دفاع از انقلاب و مقابله با ناامنی‌ها از خود نشان می‌دهد، از جمله مقابله با قائله‌های تجزیه‌طلبانه و ضد انقلاب در خوزستان و کردستان و مقابله با عوامل نفوذی در دستگاه‌ها و نهادهای انقلابی و کشور. اقدامات سپاه تا حدی چشمگیر بود که حضرت امام در ۲۹ مرداد سال ۵۸ زمانی که عده‌ای از اعضای شورای فرماندهی سپاه برای ارائه گزارش به حضرت امام به شهر قم می‌روند، امام خمینی در تجلیل از اقدامات پاسداران می‌فرماید: «من از سپاه راضی هستم و به هیچ وجه نظرم از شما بر نمی‌گردد. اگر سپاه نبود، کشور هم نبود. من

انتقاد عمده آنها به سپاه نظارت دولت موقت بر آن بود که گفتیم در هر صورت این حکم امام(ره) است. گفتیم اگر در این جلسه نتوانیم به نتیجه‌ای برسیم، اول شما ۳ نفر را می‌کشیم، بعد خودم را و همه را راحت می‌کنم. خوشبختانه در آن جلسه به این نتیجه رسیدند که حرف منطقی است و بهتر است بنشینیم و باهم مذاکراتی برای ادغام انجام دهیم. قرار شد از هر کدام از این مراکز ۳ نفر انتخاب شوند

شما مبنای قانونی ندارید. حکم ما از سوی امام(ره) است که ما را مجاز به فعالیت زیر نظر دولت موقت کرده است. انتقاد عمده آنها به سپاه نظارت دولت موقت بر آن بود که گفتیم در هر صورت این حکم امام(ره) است. گفتیم اگر در این جلسه نتوانیم به نتیجه‌ای برسیم، اول شما ۳ نفر را می‌کشیم، بعد خودم را و همه را راحت می‌کنم. خوشبختانه در آن جلسه به این نتیجه رسیدند که حرف منطقی است و بهتر است بنشینیم و باهم مذاکراتی برای ادغام انجام دهیم. قرار شد از هر کدام از این مراکز ۳ نفر انتخاب شوند. این ۱۲ نفر بنشینند و بحث ادغام را پیگیری کنند.»

پس از آن گروه سه نفره‌ای متشکل از محسن رضایی، محسن رفیق‌دوست و عباس دوزدوزانی در اواخر فروردین ماه سال ۵۸ در قم نزد امام(ره) می‌روند و با توجه به مشکلاتی که سپاه با دولت موقت داشت، استدلال می‌کنند که سپاه باید زیر نظر شورای انقلاب اداره شود. حضرت امام(ره) هم در این دیدار ضمن پذیرش این درخواست، دستور تشکیل یک سازمان منسجم و مکتبی را صادر می‌کند و هاشمی رفسنجانی از طرف شورای انقلاب به عنوان نماینده برای پیگیری کارهای سپاه انتخاب می‌شود.

در پی این فرمان، همان گروه ۱۲ نفره اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در ماده ۹ تبصره تهیه و تصویب می‌کند و به دنبال آن شورای انقلاب حکم اعضای شورای فرماندهی سپاه را ابلاغ در تاریخ دوم اردیبهشت ۵۸ طی اطلاعیه‌ای شروع به کار سپاه را اعلام می‌کند.

بر این اساس اولین شورای فرماندهی سپاه پاسداران متشکل از جواد منصوری به سمت فرمانده و عضو شورای فرماندهی، عباس آقا زمانی (ابوشریف) به سمت مسئول واحد عملیات و عضو شورای فرماندهی، علی محمد بشارتی و بعدها محسن رضایی به سمت مسئول اطلاعات و تحقیقات و عضو شورای فرماندهی، سید اسماعیل داودی به سمت

همواره در اوج

اوایل سال جدید بود که حمله رژیم صهیونیستی به بخش کنسولگری سفارت ایران در دمشق، منجر به شهادت چند مستشار و فرمانده ارشد سپاه پاسداران شد. در میان شهدا، سردار سرلشکر پاسدار شهید محمدرضا زاهدی که به حاج علی زاهدی معروف است هم بود. این شهید بزرگوار در خانواده‌ای مذهبی و پدر روحانی در تاریخ یکم شهریور سال ۱۳۴۰ اصفهان متولد شده است. نخستین حضور او در لباس رزم پیش از ۱۸ سالگی و در تیرماه ۱۳۵۸ در غائله کردستان است. سردار شهید زاهدی از همان ابتدای دفاع مقدس در جبهه‌های جنگ حضور داشت.

آنچه در ادامه می‌خوانید روایت‌هایی است درباره شهید محمدرضا زاهدی که از کتاب «موقعیت‌الله وکیل» نوشته رمضان‌الله وکیل، جانشین تدارکات تیپ ۴۴ قمر بنی‌هاشم(ع) انتخاب کرده‌ایم:

از همراهی با حاج قاسم تا شهادت / روایت معاون سابق بازرسی کل سپاه پاسداران:

سردار رضا محمدسلیمانی، معاون سابق بازرسی کل سپاه پاسداران، درباره ایشان گفته است: «سردار زاهدی، فرمانده‌ای بی‌ریا، مخلص، متواضع و دوست‌داشتنی بود. او هرگز اهل دیده شدن نبود؛ کم‌حرف اما پُر تلاش و اهل کار بود و همواره ایده و نظرات تکنیکی و تاکتیکی مختلفی ارائه می‌کرد. سردار زاهدی یکی از فرماندهان مؤثر و مهم است که او را بسیار کم می‌شناسند؛ درحالی‌که همانند بسیاری از هم‌زمان شهیدش از جمله شهید خرازی و شهید سلیمانی همواره در اوج و در قله بود؛ از این‌رو مورد هدف اسرائیل قرار گرفت.»

در کنار شهید عماد مغنیه / روایت سردار رضا محمد سلیمانی:

او از رفقای صمیمی شهید عماد مغنیه، فرمانده نظامی لبنان نیز بود. سردار زاهدی با وجود جراحت بسیار همواره با عشق در میدان حاضر بود تا اینکه سرانجام مقارن با ایام شهادت مولای متقیان، امام علی(ع)، به آرزوی دیرینه خود رسید و شهید شد. سردار زاهدی همانند هم‌زمان خود به‌دست شقی‌ترین افراد، یعنی رژیم صهیونیستی به شهادت رسید. همه عمر سردار زاهدی در فداکاری، مجاهدت، مجروحیت و گمنامی سپری شد و خداوند پاداش واقعی و آنچه استحقاق آن را داشت به او عطا کرد.»

در کارزار خون و آتش / روایت رمضان‌الله وکیل، هم‌رزم سردار:

هدف ما در این عملیات، رسیدن به دجله بود. برای این کار نیروها می‌بایست مسافتی را در آب حرکت می‌کردند تا به خط ابتدایی پدافندی عراقی‌ها برسند. پس از آن قرار بود از این خط جدید پدافندی هم عبور کنند و خود را تا رودخانه دجله برسانند. در این عملیات تیپ ما



(۴۴ قمر بنی‌هاشم) می‌بایست کمی به سمت شمال و بالاتر از روطه می‌رفت. ما با وسایلی مثل قایق، همه تدارکات موردنظر را جابه‌جا کردیم. تفاوت این قایق‌ها با قایق‌های قبلی این بود که اینها تندروتر و بزرگ‌تر بودند و قابلیت مانور و ظرفیت بیشتری داشتند. ساعت یازده شب ۲۰ اسفند ۱۳۶۳، فرمان عملیات بدر صادر شد. ساعتی قبل از آن، نیروهای خط‌شکن به‌وسیله قایق تا نزدیکی کمین‌های دشمن اعزام شده و آماده دستور بودند.

همزمان با فرمان آغاز عملیات، واحدهای توپخانه و ادوات به گلوله‌باران خطوط نیروهای عراق پرداختند. نیروهای تدارکات هم در موقعیت، مشغول دعا کردن و آماده دستور برای اعزام به منطقه آزاد شده بودند که بعد از اقامه نماز صبح، این امر میسر شد. حمید رفیعی از مصطفی روحی خواست که در موقعیت جزیره مجنون بماند تا خودش برای شناسایی وارد منطقه آزاد شده شود. آقایان نصیریان و امینی و چند نفر دیگر از نیروهای واحدهای‌شان نیز همراه حمید بودند و به‌اتفاق، عازم منطقه درگیری شدند. در ابتدای ورود، این عزیزان به‌سرعت یک دستگاه خودروی وانت عراقی‌ها را که در منطقه به‌جا مانده بود، آماده و هر آنچه مهمات داخل سنگرهای ابتدایی خشکی بود، جمع‌آوری کردند و قصد داشتند با همان وانت به خط منتقل کنند.

خود حمید هم در عقب وانت، روی صندوق‌های مهمات نشسته بود. بچه‌ها در مسیرشان به یک روستا به نام جویبر می‌رسند که خانه‌های کوچک آن با بلوک و سیمان ساخته شده بود. همانجا حمید احساس می‌کند که در این نقطه، خط عراقی‌ها، هلالی شکل است، چون از چپ و راست و روبه‌رو به‌طرف ماشین تیراندازی می‌شد.

بچه‌ها هر کدام سعی می‌کنند جان‌پناهی برای خود دست‌وپا کنند... ماشین هم چندمتری در جاده خاکی به‌پیش می‌رود و با برخورد با خاکریز کوچکی متوقف می‌شود.

جهش تولید بر پایه جمهور مردم

هفت نکته درباره تحقق شعار سال ۱۴۰۳

سعيد اشیری

✓ **یک:** تعیین شعار سال توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی، سیاستی گفتمانی در فقه حکومتی ماست که باید نظام حکمرانی ملی، جهت‌گیری اصلی خود را بر این سیاست متمرکز کند؛ افزون بر این، توجه به این شعار باید در زنجیره‌ای از گفتمان‌ها و شعار سال‌های پیشین باشد. درک دقیق و درست سیاستگذاران ملی مطابق با آنچه رهبر گرامی انقلاب و توسعه‌ی معنایی این گفتمان در منظومه فکری امام خمینی(ره) و معظم‌له از نکات ضروری و لازم است.

✓ **دو:** اقتصاد مقاومتی، نظریه سیاستی نظام اسلامی در مسیر پیشرفت اقتصادی ماست؛ اقتصاد مقاومتی بیش از همه بر مدار تولید ملی، امکان تحقق خواهد داشت و تقویت و رشد زیرساخت‌های فرهنگی و سیاسی و اقتصادی تولید، از ضروریات این مهم است؛ بنیادهای نظری جهش تولید بر مدار مردم، باید بر پایه ادبیات نظری درباره اقتصاد مقاومتی طرح شود و جغرافیای گسترده‌ی مباحث طرح‌شده در بیانات رهبر گرامی انقلاب، این مهم را تمهید خواهند کرد.

✓ **سه:** مردم، محور شکل‌گیری، پیروزی و بقای انقلاب اسلامی هستند و جهش تولید نیز وابسته به همین رکن اساسی است. «مردم در همه این دورانیها قهرمان اصلی ماجرا و سرگذشت انقلاب بوده‌اند.» (۱۴۰۱/۰۸/۰۶)

«مسئله اصلی، کلید اصلی، اینجا است: حضور مردم در همه مسائل، حل‌کننده مشکلات است. آن چیزی که حضور مردم را تأمین بکند، مردم را تشویق به حضور در عرصه و در میدان بکند - میدان‌های مختلف مورد ابتلای کشور - مغتنم است. و حضور مردم هیچ جایگزین دیگری ندارد؛ هنر اصلی انقلاب هم همین بود؛ هنر اصلی انقلاب این بود که جمهور مردم را

از یک مجموعه و توده منفعل و مصرفی و فاقد یک نگاه ملی و عمومی، تبدیل کرد به یک مجموعه‌ی پُرانگیزه، علاقه‌مند، همت‌دار، هدف‌دار، آرمان‌خواه، و وارد میدان کرد؛ کار بزرگ انقلاب این بود.» (۱۴۰۰/۰۵/۱۲)

✓ **چهار:** الزام بزرگ در جهش تولید، شناخت مسئله‌ها و چالش‌های تولید در یک نظام تحلیلی منسجم و منظومه‌ای است؛ اهمیت مسئله‌ها، منطوق اولویت‌ها را می‌سازد و راه برون‌رفت از تراجم‌ها را فراهم می‌کند. شعار و گفتمان «رفع موانع تولید» باید به‌مثابه یک پیش‌فرض سیاستی در کنار الزامات و ضروریات دیگر، مطرح و برجسته باشد. بر این پایه، نقش موانع و عوامل تضعیف‌کننده‌ی داخلی در تولید و پیشرفت را بیش از گذشته برجسته نگریست و پیوسته این پرسش را برجسته ساخت که چگونه می‌توان نقش و جایگاه مردم در تولید و پیشرفت ملی را برجسته‌تر کرد؟

✓ **پنج:** تحلیل نقش موانع خارجی و به‌ویژه تحریم‌های استخبار جهانی، یکی دیگر از جنبه‌های ضروری در این موضوع است؛ نکته‌ی کلیدی در تحلیل این وضعیت، توجه به نقش و جایگاه مردم است. «اگر ما کاهش حضور مردم را داشته باشیم، از آن طرف افزایش فشارهای دشمن را خواهیم داشت؛ یعنی اینها با همدیگر به معنای واقعی کلمه یک نسبت معکوسی دارند. اگر چنانچه ما در کشور افزایش حضور مردم را کم داشته باشیم، از آن طرف افزایش فراوان فشار دشمنان را خواهیم داشت. اگر ما بخواهیم فشارهای دشمنان از قبیل فشارهای اقتصادی مثل تحریم و امثال اینها از بین برود یا کاهش پیدا کند، راهش این است که حضور مردم در کشور افزایش پیدا کند و پشتوانه مردمی به رخ دشمنان کشیده بشود.» (۱۴۰۰/۰۳/۲۶)

✓ **شش:** بازخوانی الگوها و تجربه‌های موفق اقتصادی در چهل و پنج سال گذشته، الهام‌بخشی انقلاب اسلامی در ساحت اقتصاد را برجسته خواهد کرد. معانی و آرمان‌های بزرگ، همواره به اسوه‌هایی نیازمندند که تحقق آنها را امکان‌پذیرتر و میسرتر خواهد کرد.

✓ **هفت:** در پرتو مطالبه‌ی مؤکد «جهاد تبیین» از سوی رهبر انقلاب، نیازمند نهضت فرهنگی بزرگ و فراگیری هستیم که بتواند در گفت‌وگو و ارتباط با جمهور مردم، بر «افق‌سازی» متمرکز شود؛ فهرست وسیعی از عناوین و موضوعاتی را می‌توان برشمرد که نیازمند تقویت وضعیت گفتمانی آنها در سطح عمومی هستیم، از جمله: تقویت روحیه کار و تولیدگرایی، پرهیز از مصرف‌گرایی و توجه به ساده‌زیستی، تقویت توجه به کالاهای داخلی، بهبود اتقان کاری، افشای اهداف دشمن در اعمال تحریم‌ها، قوت‌ها و دستاوردهای نظام اسلامی به‌ویژه در حوزه اقتصاد. به سخنی دیگر، جهش تولید بر مدار جمهور مردم، در یک سپهر فراگیر فرهنگی و مبتنی بر فرهنگ جهادی و انقلابی امکان‌پذیر خواهد بود؛ این مهم، نیازمند طرح و برجسته شدن در فضای جهاد تبیین است.



گفت و گو

دلم برای پسرهایم تنگ شده است

همراه با پدر و مادر شهیدان پرورش در گلزار شهدای آبادان

اشک جاری می‌شود. احساس می‌کنم می‌خواهد برایم حرف بزند. به او می‌گویم: مادر حالت چطور؟ گریه‌اش می‌گیرد و با چشمانی پر معنا نگاهم می‌کند. صدایش را صاف می‌کند و می‌گوید: دلم برای پسرهایم تنگ شده است. کاشکی زودتر پیش آن‌ها بروم. زندگی برای من بدون آن‌ها سخت است. حتی نفس کشیدن هم برام سخت شده است.

می‌گویم: مادر جان! خدا به شما سلامتی بدهد. خدا شما را برای ما نگه دارد. وجود شما برای نعمت و برکت است. از پسرهایتان برای ما بگویید. مادر شهیدان پرورش ادامه می‌دهد: یادش بخیر اون موقع که به دنیا آمدند... محمدرضا پهلوان بود. کشتی گیر بود. یه پا مرد بود. همیشه تو همه کارها اول بود. مدرسه هم که می‌رفت حسابی درس می‌خوند. ۲۷ آبان ۴۳ به دنیا اومد و تو سال ۶۰ تو خرمشهر شهید شد. پسر ۱۷ سال بیشتر نداشت. از علیرضام بگم. تو زمستان ۴۱ بدنیامد اونم در خرمشهر در

گلزار شهدای آبادان یکی از پر رمز و رازترین مزارهای شهدای کشور است. دفن شبانه پیکر مطهر شهدا آن هم در تاریکی محض، خاطرات غم‌انگیزی است که اکثر رزمندگان و مدافعان شهر در سینه خود دارند و همیشه با بغض و حزن از آن روزها یاد می‌کنند. واقعاً زندگی بدون شهدا و یاد آنان سخت است. در میان این همه شهید نگاهم به مادر و پدری می‌افتد که چشم به سه قبر کنار هم دوخته‌اند. جلوتر که می‌روم می‌بینم سه شهید؛ ۳ برادر کنار هم، آرام و قرار گرفته‌اند. شهیدان محمد رضا، علیرضا و حمیدرضا پرورش.

انگار نه انگار که روزی با سرو صداها و بازی‌های کودکانه‌شان گوش فلک را کر کرده بودند، حالا آرام کنار هم آرمیده‌اند. مادر روی ویلچر نشسته و پدر روی صندلی کنار ویلچر.

به آن‌ها سلام می‌کنم و التماس دعا می‌گویم. پدر جواب می‌دهد: چشم دخترم! دعاگویت هستم و مادر از چشم‌هایش

منیژه زمانی
در غروب پنجشنبه با دوستان خود همراه می‌شوم به سمت گلزار شهدای آبادان، جایی که میعادگاه بسیاری از عاشقان و دلدادگان به حضرت حق است. گلزار شهدای آبادان در بخش جنوب غربی شهر آبادان و در کنار جاده آبادان - اروند کنار قرار دارد. اینجا در واقع پلی، از بهشت تا خداست. جایی که می‌توان درد دل‌های خود را با شهدا در میان گذاشت، جایی که می‌توان راحت رازهای خود را با شهدا عنوان کرد و کمک خواست.

این گلزار با دیگر گلزارها تفاوت دارد، داستان مفصلی دارد. از مجروح یا شهید شدن تشییع‌کنندگان شهدا با تیر مستقیم یا خمپاره دشمن تا اصابت دوباره تیر و ترکش بر پیکر شهدا هنگام تشییع و تشییع مظلومانه و غریبانه و تعداد اندک تشییع‌کنندگان، آن هم گاهی بدون حضور اعضای خانواده شهید که همه و همه حاکی از غربت این گلزار است.



حالی که ۲۰ ساله بود، شهید شد هر کاری می کرد می گفت: مامان بعداً می فهمی. خیلی آقا بود. حرف های قشنگی می زد. همیشه قربون صدقه من می رفت. کلی زبون برام میریخت. پسر ارشدم بود و اما حمید رضام که در پاییز ۴۴ بدنی آمد و سال ۶۲ تو شلمچه به خیل شهدا پیوست، مظلوم بود و سر به زیر. هر شب موقع خواب دست منو می بوسید. از حجب و حیای خاصی برخوردار بود. به نماز خواندن اهمیت زیادی می داد. حلال و حرام را رعایت می کرد. در گرمای خوزستان روزه می گرفت. همیشه در هر مشکلی که برایش پیش می آمد، به حضرت علی (ع) متوسل می شد. در برابر بزرگ ترها متواضع بود. شمرده و آرام صحبت می کرد. چهره ای زیبا و خنده رو داشت و شاداب بود.

مادر آهی از حسرت می کشد، مطمئن هستم که دلش می خواهد همین لحظه آن ها را تنگ در سینه اش بفشارد و نفس آن ها را بکند و با آن ها برای لحظه ای، زندگی کند. مادر ادامه می دهد: پسرهام تابستان کار می کردند، زمستان درس می خواندند. بعد در حالی که اشک هایش جاری است، ادامه می دهد: کاشکی الان بودند. اگر الان بودند من این قدر تنها نبودم. هنوز که هنوز است، برخی از مردم به ما کنایه می زنند که پسرهاتون رفتند و شما رو تنها گذاشتند برای افرادی که تو جامعه بی عدالتی می کنند. می گویم: مادر جان! شما می دانید چقدر پیش خدا عزیز هستید، شما می دانید که اون دنیا چقدر اجر و مقام دارید. اونجاست که خیلی ها به حال شما غبطه می خورند.

خانم پروین پلی تی جواب می دهد: بله!

می دونم ولی گاهی وقت ها هم دلم از غصه می گیرد. از این وضع معیشتی، از این همه بی مهری برخی از مسئولان و از این همه حرف و تنهایی.

بله به هر حال او مادر است، مادر سه شهید که اگر فداکاری و ایثار امثال آن ها نبود، ما هم نبودیم.

پدر شهیدان ساکت است و به مزارها خیره شده است. می گویم پدرجان شما حرفی ندارید؟ جواب می دهد: من برای همه دعا می کنم. اول برای رهبرم که همیشه سلامت باشند. دعا می کنم اسلام همیشه پیروز باشد. دعا می کنم وطنم ایران همیشه سبز و خرم باشد و دعا می کنم همه در خط ولایت باقی بمانند.

و چقدر صبور است پدر شهیدان، او چه گونه به این جایگاه از ایمان رسیده است که در سکوت خود برای همه خیر می خواهد و خیر. از آن ها تشکر می کنم.

آری ما نفس هایمان را مدیون شهدا هستیم. مدیون این همه عشق و ایثار. مدیون این همه دلتنگی پدران و مادران شهدا و برای ما هم زندگی بدون شهدا سخت است.

چه زیبا آرام گرفته ایدای شهیدان! روحتان شاد و راهتان استوار...

سه برادر شهید

خانواده پرورش دارای سه شهید به نام های محمدرضا، علیرضا و حمیدرضا هستند که همگی آنها به عنوان بسیجی در دوران دفاع مقدس به جبهه اعزام شدند و شربت شهادت نوشیدند. شهید محمدرضا پرورش در ۲۷ آبان ماه سال ۱۳۴۳ در آبادان به دنیا آمد و در ۲۹ اسفند سال ۱۳۶۰ در عملیات طریق القدس در خرمشهر شربت شهادت نوشید. شهید علی رضا پرورش در تاریخ ۳۰ دی ماه سال ۱۳۴۱ در آبادان دیده به جهان گشود و در دوم اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۱ در عملیات بیت المقدس در خرمشهر به شهادت رسید. شهید حمیدرضا پرورش نیز در یکم آذر ماه سال ۱۳۴۴ در آبادان متولد شد و در تاریخ دهم خرداد ماه سال ۱۳۶۲ در منطقه عملیاتی شلمچه به خیل شهیدان پیوست. پیکر این سه برادر شهید و فرزندان حسین پرورش در گلزار شهدای آبادان آرام گرفته است و زینت بخش بهشت رضا (ع) این شهرستان شده اند.

جرس شوق

پر زد از بام افق نیز فراتر به کجاها
بین خون‌گریه، پیام‌آور خورشید صدا زد:
«می‌روی با جرس شوق، برادر! به کجاها؟...»
چه زبون است یزید و چه حقیر ابن زیادش
شهر را می‌کشد این خطبه‌ی محشر به کجاها...

فرهنگیار شاعر؛

محمدحسین انصاری نژاد

با خودش می‌برد این قافله را سر به کجاها
و به دنبال خودش این همه لشکر به کجاها
کوفه و شام و حلب یکسره تسخیر نگاهش
دارد از نیزه اشارات مکرر به کجاها
سوره‌ی کهف گل انداخته این بار و زمین را
می‌برد غمزه‌ی قرآنی دیگر به کجاها
بر سر نیزه تجلی سر کیست؟ خدا یا!

شوق معصومانه

ولادت حضرت معصومه (س)

تصویر مهتاب و شب و آینه‌بندان
امشب صفای دیگری دارد شبستان
گلدسته‌ها و آسمان سرمه‌ای رنگ
نقش و نگار کاشی و گل‌های ایوان
شهر از هیاهوها پر اما با حضورت
آرامش باغ ارم دارد خیابان
جایی به غیر از خانه امن شما نیست
چتر امانی بر سر ما بی پناهان
در ساحل آرامش پهلوی گرفتند
دل‌های طوفان دیده جمعی پریشان
گنبد کبوتر اشتیاق روشن ابر
حس زیارت نامه خواندن زیر باران
قلبم هوایی می‌شود پر می‌کشد باز
با شوق معصومانه‌ای سمت خراسان

سیده تکتم حسینی

خواهر خورشید

اگر چه درد اگر چه هزار غم داریم
کنار حضرت معصومه ما چه کم داریم
کنار دختر باران و خواهر خورشید
بهشت حرف کمی هست تا حرم داریم
به ذکر شاه خراسان گرفته ایم دم و
به لطف حضرت معصومه باز دم داریم
مدافعان حریم کریمه عشقیم
همیشه چشم بر این سفره کرم داریم
محرم و صفر و فاطمیه و رمضان
چقدر عشق که یک جا کنار هم داریم
سیاه پوش، برای بقیع، ویرانیم
علم به دوش به یاد غم علمداریم
برای آنکه بیوسیم دست باران را
چه اشتیاق عجیبی که در حرم داریم

ابراهیم زمانی

هشتمین حجت حق

ولادت امام رضا (ع)

مژده‌ای اهل ولا نور خدا گشته پدید
هشتمین حجت حق آن شه‌فرزانه رسید
هم نبی صورت و حیدر صفت است این مه‌ناب
هر که دیدش دل از این خانه و کاشانه برید
بهر مولای جهان باب حوائج ز وفا
پسری همچو رضا داده خداوند حمید
شب میلاد رضا باده ز میخانه رسد
باید امشب همه دم باده ز پیمانه چشید
خنده بر لب بزند موسی جعفر همه دم
تا که با یک نظرش آن مه‌دردانه پدید
مه‌ذیقده شد و ماه خدا گشته عیان
همه تبریک بگویند که عید آمده عید
هر که باشد به دلش مهر رضا شاه کرم
شک نکن روز جزا می‌شود همواره سعید
می‌شود بیبت خدا تا به ابد از سر عشق
دل هر کس که به یادش دمی الساعه تپید
من کجا مدح شما ای شه‌فرزانه کجا
مدحتان کرده خداوند، به قرآن مجید
آرزویم همه این است که در روز جزا
بشوم مثل غلامان شما نامه سپید
راستی بهر «بداعی» چه خوش است ای صنما
که شود در رهتان نوکردلداده شهید

سیروس بداعی

مست تماشا

حماسه، حماسه، حماسه، حماسه
خبرها پر اند از شهیدان تازه
شهیدان مست تماشای حقی
که پر کرده بودند پیمانۀ تازه
شهیدان خون در رگ دهر کرده
جهان را! چه تازه است از این جان تازه
همان‌ها که از خونشان می‌شکوفد
سراسر در ایران بهاران تازه
محمد رضا معلمی

بیاور بساط چراغان تازه
که مهمان رسیده‌ست مهمان تازه
نسیم آمد و با خود از راه آورد
خبرهای داغی چنان نان تازه
خبرهای داغی که خواهند سوزاند
هرآن چه گلی در گلستان تازه
به سوغاتشان خانه‌ها مان چینی است
پر از گیسوان پریشان تازه

چشم بقیع

شهادت امام صادق(ع)

آن قدر بی صدا و خموش از ترانه‌ای
حس می‌کنم شکسته و بی‌آشیانه‌ای
آقا شنیده‌ام پی مرکب دویده‌ای
پای برهنه، نیمه شب، چی کشیده‌ای؟
با پنجه زهر بر جگرت چنگ می‌زند
با لکه‌های خون به لب رنگ می‌زند
گیسو سفید، قد کمان، بین بستری
آقا چه قدر پیر شدی... شکل مادری
اشک فراق در نگرهت موج می‌زند
دلواپس یتیمی موسی بن جعفری
چشم بقیع منتظر مقدمت شده
تو آخرین امانت شهر پیمبری
حالا به یاد خاطره دست بسته‌ات
گریان برای غربت زهرا و حیدری
آتش گرفت خانه‌ات اما کسی نشد
در بین شعله کشته دیواری و دری
دشمن برای قتل تو شمشیر می‌کشید
قلب نبی ز غصه تو تیر می‌کشید
پیغمبر خدا به کجا بود... کربلا...
آنجا که خون ز فاجعه تصویر می‌کشید
وقتی سر حسین به نیزه بلند شد
کل سپاه نعره تکبیر می‌کشید

علی صالحی

خلیج فارس ایران را

روز ملی خلیج فارس

شمردم دانه دانه برف‌های آن زمستان را
که بشماریم روزی غنچه‌هایت در بهاران را
کمانم مرزهای آرزوها را نمی‌یابد
مگر مانند آرش تیر دل راهی کند جان را
کسی که عاشق خاک تو باشد خوب می‌داند
که دنیا می‌شناسد با خلیج فارس، ایران را
هزاران ریشه در این خاک باقی ماند و می‌ماند
اگر چه باد پاییزی بیندازد درختان را
بیوشان خاک را با ابرهای آسمان رنگت
بنوشان بر کویر خشک دلها طعم ایمان را
لبان روزه‌دارم را به چشمان تو می‌دوزم
به شوق ربنا پر کن نگاه خشک لیوان را
اگر چه مثل شاعرهای دیگر سفره‌ام خالی است
به لبخند تو قاتق می‌کنم این لقمه نان را

نغمه مستشار نظامی

نامت را آواز می‌دهم
موج‌ها به تماشای آسمان می‌ایستند
ای استواری هر چه استواری
نصف النهار بیداری!
از عصمت خزر
از جنگل شهامت و غیرت
با مردان جنگلی می‌آیم
از قلعه‌های سرکش البرز
تا سرزمین شروه، شهادت
تا شرحی ستاره و آتش
هر صبحدم
سجاده می‌گشایم
از خزر تا خلیج فارس

سید علی میرباذل



هنر هفتم ف

امید آفرینی در «سینما» با آمار بالای مخاطبان

مریم علی بابایی

به قدیم‌ترها که برگردیم از افرادی که در دهه سی و چهل دوران نوجوانی و جوانی‌شان را سپری می‌کردند بپرسیم که تعطیلات و اوقات فراغت‌شان را چگونه می‌گذراندند خیلی کم به سینما رفتن و تماشای تلویزیون اشاره می‌کنند، هم تعداد سینماها کم بود و هم خانواده‌های مذهبی این نوع تفریحات مورد علاقه‌شان نبود، حتی روزنامه و رادیو هم خیلی باب دل‌شان نبود یا اگر هم تمایلی به خواندن روزنامه و شنیدن رادیو و تماشای تلویزیون داشتند خیلی در دسترس‌شان نبود. با یکی از جوان‌های دهه سی که صحبت می‌کردم می‌گفت جمعیت‌مان زیاد بود ۱۱ تا خواهر و برادر داشتیم رسم بود که هفته‌ای یکبار به خانه عمومی بزرگ‌مان که او را «عموحاجی» صدا می‌کردیم می‌رفتیم آن‌ها تلویزیون داشتند و کارتون‌هایی که نشان می‌داد برایمان جذاب بود. الان در هر محله پر رفت و آمدی سالن‌های سینمایی یا همان پردیس‌های سینمایی ساخته شده‌اند که تا بتوانند گوشه‌ای از اوقات فراغت جوانان را پر کنند حالا اصلاً چرا تنها جوانان بله جوانان دهه سی و چهل و پنجاه هم امروزه به سینما رفتن علاقه زیادی دارند.

آمار دهه هفتاد دیگر تکرار نشد: البته با وجود آماري که اخیراً منتشر کرده‌اند در سال ۱۳۷۹ آماري مخاطبانی که به سینما می‌رفتند حدود ۷۰ میلیون نفر بوده است که خوب باید این را در نظر بگیریم که دهه ۷۰ با پایان جنگ شرایط اجتماعی در کشور تغییر کرده بود وضعیت معیشت و زندگی حتی آرمان و ایده‌آلهای مردم تغییر پیدا کرده بود و حتی سینما به لحاظ فنی بسیار پیشرفت و به‌روز شده بود. کارگردانی همچون ابراهیم حاتمی‌کیا، رسول ملاقلی‌پور و... دنیای جدیدی از سینمای جنگ را به نمایش گذاشتند که مخاطبان و طرفداران زیادی را جذب کرد اما در کنار تمام اینها موضوعات آرمان‌خواهی در سینما بسیار پررنگ‌تر شد و به نوعی سینمای دغدغه‌مند و روشنفکری با کارگردانی همچون بهرام بیضایی، علی حاتمی، داریوش مهرجویی، عباس کیارستمی، مسعود کیمیایی، فریدون جیرانی و... سینما جان تازه‌ای گرفت. نمی‌توان به ضرس قاطع گفت که سینمای دهه ۷۰ برتر و پیشرفت بیشتری نسبت به دهه ۶۰ داشت اما نمی‌توان نادیده گرفت که این دهه همه چیز متفاوت شد و شکل و شمایلی خاص‌تر پیدا کرد گویی سرآغاز اتفاقات خوبی در سینمای ایران بود.

وضعیت در دهه هشتاد خیلی مطلوب نبود: با اینکه در دهه هشتاد بسیاری از منتقدان سینما معتقد بودند که این دهه سینمای ایران دری به

عرصه جدید در پر و بال دادن به موضوعات سیاسی و اجتماعی باز کرد که تا آن روز محدودیت‌های زیادی داشت همچنین سینمای دهه هشتاد سینمایی ایرانی بود که در جهان هم پرآوازه شد. حتی فیلم آواز گنجشک‌ها نماینده سینمای ایران در مراسم اسکار بود. فیلم‌های برجسته سینما از به رنگ ارغوان، میم مثل مادر، ارتفاع پست، من ترانه ۱۵ سال دارم، بوتیک، چهارشنبه سوری، درباره‌الی، مهمان مامان و... به غنای سوژه، اکت و حتی بومی‌سازی قصه به خوبی پرداخته بودند؛ اما از سال هشتاد تا هشتاد و نه آمار مخاطبان از میان ۱۱ میلیون تا ۱۸ میلیون متغییر بود و نسبت به دهه هفتاد نتوانست مخاطبان را جذب خود کند.

پیشرفت بسیار جزئی در دهه نود: دهه نود هم به گونه‌ای بود که فیلم‌ها درباره مسائل خانوادگی که در دهه قبل اشباع شده بود، خودش را جدا کرد و موضوعات اجتماعی و تاریخی و حتی انیمیشن را در اولویت قرار داد. فیلم‌های تاریخی در سینما مثل اثر محمد رسول‌الله مخاطبان زیادی را جذب کرد تا در این ژانر بتوانیم آثار بیشتری را خلق کنیم در واقع دهه نود نتوانست خودش را از دهه هشتاد جدا کند و مخاطبان بیشتری را جذب کند تا بتواند تکانی به آمار مخاطب داشته باشد آمار مخاطبان در دهه نود از ۲۰ میلیون تا ۲۵ میلیون بود.

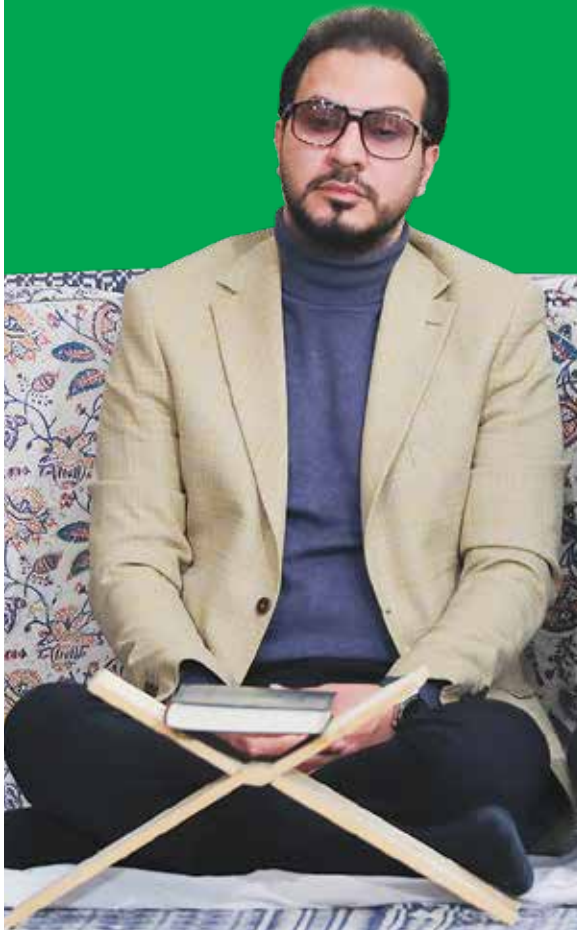
آماري که در سال ۱۴۰۰ می‌تواند امیدوارکننده باشد: اواخر دهه نود بود که بیشتر مسئولان نوید سالن‌های سینمایی بهتر با تکنولوژی‌های پیشرفته را می‌دادند که کرونا همه‌چیز را بهم ریخت بعد از دو سال تعطیلی‌های مستمر از بیست و چهار اسفند هزار و چهارصد و یک بود که خبر باز شدن سینماها منتشر شد و خیلی‌ها این اتفاق را به فال نیک گرفتند که بعد از چندین ماه تعطیلی کرونا تمامی سالن‌های سینماها باز می‌شوند. حالا نیز شاهد آن هستیم که پس از مدتی دوباره شور و اشتیاق تا حدودی به سینما برگشته است که برای استمرار این امر باید همراه با آثار فاخر و مهم همراه باشد.

مشوق اصلی ما رهبرمان است

بنده به عنوان شخصی که سابقه سفرهای متعدد برای حضور در مسابقات بین‌المللی را دارم، می‌گویم قله همه فعالیت‌های قرآنی؛ جلسه با حضور رهبر انقلاب است که همه قاریان ایرانی و مهمانان خارجی هم نگاه ویژه‌ای به این جلسه دارند. در یکی از این جلسات بین‌المللی که در کشور اندونزی برگزار می‌شد؛ از ما پرسیدند چه شد شما به این سطح از پیشرفت رسیدید؛ که حتی برابری می‌کنید با یک کشوری مثل مصر که خودش را داعیه‌دار قرآن و تلاوت می‌داند؟ من شروع کردم به توضیح دادن و رسیدیم به این‌جا که می‌دانید مشوق اصلی ما کیست؟ گفتم رهبر کشور ما.

آن جمعیت چند هزار نفری رهبر انقلاب را تشویق کردند و اصلاً برایشان عجیب بود که مثلاً رهبر ما مشوق قاریان قرآنی باشد. حالا رهبر انقلاب را مقایسه کنید با رهبران سیاسی دنیا حتی رهبران کشورهای مسلمان؛ که برگرفته از اذهان و سیاست‌های خودشان، هیچ ارتباطی با قاریان قرآن ندارند.

حامد شاکر نژاد، قاری بین‌المللی قرآن کریم



دوربین خدا هم حساب و کتاب دارد!

حجت الاسلام و المسلمین دکتر عبدالله حاجی صادقی نماینده ولی فقیه در سپاه با ذکر خاطره ای از دوران دفاع مقدس می گوید: «یک روز همان اول جنگ آقای شهید جهان‌آرا - من آخوند سپاه خرمشهر بودم - به من گفت به مرکز سپاه خرمشهر در هتل پرشین بیا، به آنجا رفتم و یک روز بعدازظهر گفت دلت برای کوت شیخ تنگ نشده است؟ گفتم چرا، گفت بیا برویم.

یک طلبه جوان دیگری هم که شهید شد با من بود. سوار ماشین شدیم، در راه که می‌رفتیم مقر بچه‌های جهادسازندگی نجف‌آباد را که آقای پارسا مسئولش بود، نشان داد. گفت برویم یک سری به ایشان بزنیم. وقتی رفتیم، دیدیم که ایشان لباسش سر تا پا روغنی است و روی لودر است و دارد تلاش می‌کند آن را تعمیر کند. همراهان یک دوربین عکاسی قدیمی بود، به ایشان گفتم بیا یک عکس از ما سه نفر بگیر، آقای جهان‌آرا با لباس پاسداری است، من هم آخوندی و آقای پارسا هم جهادی است، ببینیم کدام یک از ما زودتر شهید می‌شویم.»

وی ادامه داد: «برادر طلبه‌مان بارها با این دوربین عکس گرفته بود، رفت و هر چه کرد گفت نمی‌شود. گفتم شما بایست من عکس می‌گیرم، ایستاد من عکس گرفتم. اولین کسی که شهید شد آقای پارسا بود، بعد از ثامن الائمه آقای جهان‌آرا و در فتح خرمشهر آن طلبه شهید شد. گفتم خدایا قربانت بروم دوربینت هم حساب و کتاب دارد.»



جامع‌نگری و هم‌گرایی در اسلام

سبک زندگی مجاهدانه خانواده نیروهای مسلح - ۶

۳- اصل تولی و تبری: تولی در فرهنگ اسلام، عبارت است از پذیرش حکومت، سرپرستی و دوستی خدا و پیامبران و کسانی که از جانب آن‌ها تعیین شده‌اند. به بیان دیگر تولی یعنی به هم پیوستگی و اتصال شدید مومنانی که هدف واحدی دارند. تبری در فرهنگ اسلام عبارت است از دوری جستن از افراد و جریاناتی که جهت الهی ندارد. به بیان دیگر تبری به معنای جدا شدن از جبهه باطل می‌باشد. تعریف این دو واژه در حقیقت برگرفته از روایتی از پیامبر اکرم (ص) است که فرمودند: «أَوْثَقُ عُرَى الْإِيمَانِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْبُغْضُ فِي اللَّهِ وَتَوَالِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَالتَّبَرُّ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ؛ محکم‌ترین دستاویز ایمان، دوستی و دشمنی برای خدا و پیوستن به اولیای خدا و دوری گزیدن از دشمنان اوست.»

۴- اصل جامع‌نگری در اسلام و هم‌گرایی: انسان دارای دو بعد جسمانی و روحانی است که برای رسیدن به کمال خویش «مقام خلیفه الهی» توجه به هر دو آن‌ها لازم و ضروری است.

براین اساس قوانینی که برای سبک زندگی انسان مومن ترسیم می‌شود هم باید دارای جامع‌نگری باشد یعنی به تمام جوانب روحی و جسمی انسان توجه داشته باشد تا استعدادها و نهفته در وجود انسان شکوفا شود و هم باید به دور از افراط و تفریط سرشار از رهنمودهایی باشد که با یکدیگر هم‌گرا و هم‌سو باشد. اگر قوانین و مقررات وضع شده به نیازهای روحی و جسمی انسان توجه داشته باشد اما با یکدیگر هماهنگ نباشند انسان را از رسیدن به هدف خلقت و سعادت بازمی‌دارد. در آیات قرآن به موضوع اعتدال توجه ویژه گردیده و تنها دین اسلام را دین اعتدال معرفی می‌کند. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا» (روم ۳۰) و یا ذکر آیه شریفه «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (حمد ۲) راه اعتدال و پرهیز از کج روی و به دور از افراط و تفریط را برای آنان برمی‌گزیند.

می‌بایست همه اطاعت هایش در نهایت به اطاعت خدا بیانجامد و هرگونه رهبری از ذات پاک او سرچشمه گیرد.

بر اساس آیه شریفه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ اطاعت و فرمانبرداری هم درباره حفظ حقوق الهی مانند عبادت و پرستش است و هم درباره حفظ حدود الهی است که به بیان حلال، حرام و... می‌پردازد.» (نساء ۵۹) اطاعت از افراد دیگر با رعایت سلسله مراتب عبارتند از رسول، امام معصوم و ولی فقیه می‌باشد. بنابراین مومن مجاهد فی سبیل الله زندگی خود را بر اساس خواست خالقش ترسیم می‌کند تا همیشه در حال فرمانبرداری او باشد.

۲- اصل ولایت محوری: ولایت محوری به این مفهوم است که رهبر و ولی خدا به معنای حقیقی، منشا و جهت‌دهنده اندیشه و رفتار فردی، اجتماعی و سازمانی در تمام ابعاد فرهنگی، سیاسی، اخلاقی و سرچشمه همه حرکت‌ها و موضع‌گیری‌ها باشد. در جامعه ولایت محوری، رهبر می‌بایست فصل الخطاب همه منازعات بلکه سرچشمه و الهام‌بخش همه انتخاب‌ها، موضع‌گیری‌ها و اقدامات باشد.

در مباحث گذشته به چگونگی رسیدن به هدف والای آفرینش (رسیدن به مقام قرب الهی و خلیفه الهی) و سبک زندگی برگرفته از اشاره کردیم. در این نوشتار به اصول سبک زندگی مجاهدانه می‌پردازیم.

زندگی حقیقی جز در ساحت بندگی و ایمان به قدرت ذات ربوبی و حقانیت او به دست نمی‌آید به مصداق آیه شریفه «سُئِرْهُمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ؛ به زودی آیات خود را هم در آفاق و خارج از وجود آنان و هم در داخل وجودشان نشان خواهیم داد تا روشن گردد که خدا حق است.» (فصلت ۵۳) بندگی حقیقی، جوهری است که آدمی را به مقام ربوبی (مظهر اسماء الهی) می‌رساند چنانکه امام صادق (ع) فرمودند: «الْعُبُودِيَّةُ جَوْهَرُ كُنْهَيْهَا الرَّبُوبِيَّةُ» بنابراین اصول حیات طیبه را باید در اصول بندگی جست و جو کرد که بر اساس آیات و روایات ۹ اصل برشمرده شده که در این نوشتار به ۴ اصل آن به طور خلاصه اشاره می‌شود:

۱- اصل اطاعت و فرمانبرداری: طبق مبانی سبک زندگی اسلامی، خداوند هستی را خلق کرده و ربوبیت، تدبیر، تکوین و تشریح به دست اوست پس یک مجاهد فی سبیل الله

آفتابه لگن هفت دست، شام و ناهار هیچی

آفتاب خرج لحیم

در قدیم برای رفتن به دستشویی و شست‌وشو، از آفتابه استفاده می‌کردند. آفتابه‌ها در اثر استفاده زیاد، سوراخ می‌شدند و آب را به درون خود نگه نمی‌داشتند. صاحب آفتابه مجبور بود آفتابه سوراخ شده و فرسوده را هر چند روز یکبار به «لحیم گر» بدهد تا آن را تعمیر کند و سوراخش را بپوشاند. گاه خرج تعمیر، بیشتر از پول یک آفتابه تازه و سالم می‌شد.

کاربرد: وقتی وسیله‌ای در اثر فرسودگی، نیاز به تعمیر مداوم داشته باشد و، به اصطلاح، به خرج افتاده باشد، می‌گویند: «آفتابه خرج لحیم». **مشابه:** بار به کرایه اش نمی‌ارزد. خر، سی شاهی، پالان دو زار

معنای لغت: لحیم گر؛ کسی که با سرب و قلع داغ شده، سوراخ و درز وسایل حلبی را پر می‌کند.

آفتابه لگن هفت دست، شام و ناهار هیچ چیز (هیچی)

در قدیم هنگامی که برای ناهار یا شام، میهمانی دعوت می‌کردند، قبل و از بعد از غذا، آفتابه‌ای را پر از آب می‌کردند و میهمان سر سفره دستهایش را با آب آن می‌شست. این کار به منظور احترام گذاشتن به میهمان انجام می‌شد و نشان از ثروتمند بودن صاحبخانه داشت.

کاربرد: ۱- درباره کسانی گفته می‌شود که از اسباب و لوازم گرانبها و با شکوه استفاده می‌کنند؛ اما در اصل، فقیر و بی چیز هستند. ۲- همچنین درباره کسانی است که به جای پرداختن به اصل موضوع، به چیزهای فرعی بیشتر اهمیت می‌دهند. ۳- هنگامی که ظاهرسازی در کاری، بیشتر از توجه به خود موضوع باشد یا برای مقصودی بی اهمیت و کم ارزش، هزینه‌های بسیاری شود، می‌گویند: «آفتابه لگن هفت دست، شام و ناهار هیچی.»

آفتاب لب بام است

وقتی غروب می‌شود، نور کم‌رنگ خورشید به بالای بام و دیوار می‌تابد و این، نشان از آخرین لحظه‌های روز و نزدیک بودن شب است. ۱- وقتی بخواهند درباره کسی که بسیار پیر است و هر لحظه ممکن است زمان مرگش فرا برسد، حرف بزنند، می‌گویند: «آفتاب لب بام است.»؛ یعنی چیزی به غروب زندگی‌اش باقی نمانده است. ۲- وقتی بخواهند درباره کسی که قدرتش در حال از بین رفتن است، حرف بزنند؛ این مثل را می‌گویند.

مشابه: آفتاب سر دیوار است. یک پایش این دنیا است و یک پایش آن دنیا. یک شب میهمانیم و صد سال دعاگو.

آفتابه اگر از طلاست

جاش تو خلاست

ظاهر گران و پرزرق و برق نشان دهنده ارزش و شخصیت نیست. بسیاری از آدم‌های پست و زبون، خود را در لباس‌های گرانبها و لوازمی ارزشمند پنهان می‌کنند؛ به امید آن که برای خود ارج و منزلتی کسب کنند؛ در حالی که در اصل، همانند که بودند. باید بدانیم که ظاهر بین نباشیم و از روی ظاهر نتیجه‌گیری نکنیم. ظاهر چیزی است که می‌خواهند ما ببینیم، نه چیزی که واقعا است.

مشابه: خر، آر جُل اطلب بپوشد، خر است.

معنای لغات: خلا؛ مستراح، دستشویی

آفتاب به زردی افتاد

تنبل به جلدی افتاد

حالا که وقت غروب آفتاب است و روز دارد تمام می‌شود، آدم تنبل، که تا به حال فکر کارش نبوده، از دست دادن زمان را حس کرده است؛ لذا زرنگ و چابک شده و دارد تند تند و با عجله کارهایش را می‌کند. وقتی بخواهند نشان دهند که شخصی بی‌موقع و بی‌فایده و در آخرین فرصت‌ها دست به کاری زده است می‌گویند: «آفتاب به زردی افتاده، تنبل به جلدی افتاد.»

مشابه: گل دقیقه نود.

معنای لغت: جلدی؛ چابکی، زرنگی

منبع: فوت کوزه‌گری، مصطفی رحماندوست



لجبازی کودکان

انجام کار نکنید. بلکه با کودک همراه شوید. مثلاً اگر می‌خواهد موقع خواب تلویزیون تماشا کند با کودک همراه شوید و چند قدم با کودک همراهی کنید. تا کودک ببیند که شما اصرار به انجام آن کار ندارید. بعد شما می‌توانید نظر کودک را تغییر دهید.

به کودک لجباز قدرت انتخاب بدهید سعی کنید کودک را در آغوش بگیرید و به کودک عشق بورزید. در ادامه اگر کودک حاضر نبود که درخواست شما را قبول کند می‌توانید چند گزینه در اختیارش قرار دهید. البته تعداد انتخاب‌ها نباید خیلی زیاد باشد بلکه دو یا سه گزینه می‌تواند باشد که از بین دو یا سه گزینه یک مورد را می‌تواند انتخاب کند.

برای تربیت کودک لجباز باید صبور بود سعی کنید که با کودک یک مکالمه معمولی داشته باشید و این مکالمه را تبدیل به مسابقه فریاد نکنید؛ اما اگر نتوانستید این را به گفتگو تبدیل کنید سعی کنید که گفتگو را به سمتی پیش ببرید تا در نهایت حرف و نظر شما باشد تا کودک متوجه شود که نتیجه نهایی گفتگو با شماست. چون یاد می‌گیرد اگر فریاد بزند حرفش خریدار دارد.

به کودک خود احترام بگذارید حتی اگر لجباز بود اگر می‌خواهید کودک شما به شما و تصمیمات شما احترام بگذارد قطعاً باید این احترام را شما به کودک خود را شما گذاشته باشید تا کودک به این درک برسد که باید احترام بگذارد. اگر ما بخواهیم نظر و ایده خود را تحمیل کودک کنیم فرزند ما هرگز نخواهد توانست اقتدار ما را بفهمد؛ اما اگر به این چند مورد دقت کنیم می‌توانیم شرایط بهتری را آماده کنیم.

لجبازی در کودکان یک پدیده رفتاری است که طی آن کودک از پذیرفتن و قبول نظر و خواست والدین یا بزرگ‌تر خود سر باز می‌زند. مثل اینکه پدر یا مادر یا مربی کودک از او می‌خواهد کاری را انجام دهد و کودک انجام نمی‌دهد و سعی می‌کند با گریه و خواهش یا با فریاد زدن به خواسته خود برسد. مثلاً کودکی در خیابان می‌خواهد شکلات یا وسیله بازی بخرد، اما بزرگ‌تر حاضر به انجام آن کار نیست و کودک برای رسیدن به هدفش فریاد می‌زند یا گریه می‌کند تا بتواند نظر و عقیده‌اش را به والدین خود تحمیل کند.

از سوی دیگر پدر و مادر هم می‌خواهند نظر و عقیده خود را به مرحله اجرا در بیاورند. برای همین منظور به کودک امر و نهی می‌کنند و خواسته خود را مقدم به خواسته کودک می‌دانند و در اینجاست که تعارض پیش می‌آید و موجب درگیری‌های کلامی و همین‌طور فیزیکی می‌شود. چون هر کدام در یک سمت قرار می‌گیرند و می‌خواهند خواسته خود را عملی کنند. گاهی اوقات می‌بینیم که والدین برای اینکه به خواسته خود برسند کودک را تنبیه فیزیکی می‌کنند.

با چند راهکار می‌توانید کودکان لجباز را کنترل کنید: به کودک خود گوش کنید قطعاً یکی از بزرگ‌ترین مهارت‌ها در رفتار با بچه‌ها، دانستن این نکته است که ارتباط یک مهارت دو طرفه است. اگر می‌خواهید کودک به حرف شما گوش کند، سعی کنید به حرف کودک گوش کنید. وقتی که کودک اصرار به انجام یا عدم انجام کاری را دارد سعی کنید به حرف کودک گوش کنید و نظراتش را بشنوید.

به کودک لجباز اصرار نکنید برای انجام یا عدم انجام یک کار، کودک را مجبور به انجام یا عدم

لیموترش، گاهی یا همیشه؟

کلم، کلم قمری، کلم دلمه‌ای، سیر، شلغم، بادنجان، فلفل، رازیانه، مارچوبه، نعناع و انواع کدوها می‌سازد.

نکات بسیار مهم درباره لیمو و آلبیمو

آب لیمو با گوجه فرنگی سازگار نیست و از طرف دیگر هیچگاه ۳ نوع ترشی را با یکدیگر نخورید. آب لیموی کهنه مضر است زیرا تبدیل به اسیدهای مضر می‌شود. اگر آب لیمو را نیز در یخچال در صفر درجه هم قرار دهیم طبق نتایج و آزمایشات حاصله پس از ۲۴ ساعت ۵۰ درصد از ویتامین‌های خود را از دست خواهد داد.

بررسی‌های جدید دانشمندان نشان می‌دهد مخلوط آب لیموترش با نوشیدنی‌های داغ و یا هنگام طبخ غذا موجب اسیدی شدن ماده غذایی می‌شود. همچنین از زمان قاچ کردن لیمو تا استفاده از آن نباید مدت زیادی بگذرد. اگر چه طعم و مزه لیمو ترش همانند لیمو شیرین پس از قاچ کردن تغییر نمی‌کند، اما در سطح آن گازهایی آزاد می‌شود که این گازها می‌تواند برای بدن مضر و خطرناک باشند. ویتامین‌های لیمو ترش پس از مدت زمانی از بین می‌روند، پس بهتر است آن را سریعاً مصرف کنید.

ضد عفونی‌کننده قوی است. حتی اگر در مسافرت‌ها به آب آشامیدنی مشکوک هستید و می‌ترسید از آن بنوشید، کافی است چند قطره آب لیموترش تازه در آن بریزید. آب را کاملاً استریلیزه کرده و میکروب‌های موجود در آب را از بین می‌برد. لیمو دارای فیبر بسیار بالایی بوده و در تأمین سلامت فرد بسیار مفید است.

لیمو با چه غذاهایی ناسازگار است؟

با خواصی که گفته شد، اگر نکاتی را در مصرف لیمو و آب لیمو در نظر نگیریم، ممکن است مضراتی بر ایمنی داشته باشد. لیمو با غلات و حبوباتی از قبیل گندم، برنج، لوبیا، نخود، عدس، باقلا، لپه، ارزن و همچنین با میوه‌هایی شامل سیب درختی، موز، انجیر، خرما و میوه‌های شیرین، گوجه فرنگی، سیب زمینی و بلوط نمی‌سازد.

لیمو با چه غذاهایی سازگار است؟

خوردن لیمو با روغن‌های مایع نباتی و میوه‌های روغن دار از قبیل گردو، بادام، فندق، بادام زمینی، میوه زیتون، نارگیل و همچنین سبزیجاتی مانند: هویج، سالاد کاهو، تره فرنگی، پیاز، چغندر، گل کلم،

لیموترش یکی از دلپذیرترین مرکبات از لحاظ طعم و عطر است. لیموهایی که در شمال و جنوب ایران پرورش می‌یابند از لحاظ داشتن خواص طبی کامل بوده و هیچ‌گونه خطری در مورد کم کردن املاح طبیعی بدن و کلسیم خون گزارش نشده و برعکس اسیدسیتریک موجود در آن مقوی خون و بالا برنده میزان کلسیم بدن است.

کپسول آنتی‌اکسیدان

طبق آخرین مطالعاتی که بر روی لیمو و ترکیبات آن انجام شده، معلوم شده که لیمو دارای مواد آنتی‌اکسیدان می‌باشد که در موارد متعدد موجب جلوگیری از گسترش سلول‌های سرطانی و کنترل سرطان است. آب لیمو از نوشیدنی‌هایی است که خوردن آن توصیه می‌شود، زیرا خواص و فواید بی‌شماری برای سلامتی دارد، از جمله کاهش وزن، تقویت دستگاه ایمنی بدن، پاک‌سازی دستگاه گوارش، کم کردن التهابات بدن، افزایش نیروی بدن، تأثیرگذاری مثبت بر فرآیند متابولیسم و سوخت و ساز بدن و....

ضد عفونی‌بالیمو

لیموترش به علت داشتن خواص اسیدی،



عرق خارشتر چیست؟

باعث می‌شود که فرد به نحو بهتری بتواند با عفونت‌ها مقابله کند. با مصرف منظم عرق خارشتر، دیگر نگران این نباشید که انگل و ارگانسیم‌های بیماری‌زا وارد بدنتان شوند و شما را بیمار کنند. زمانی که عرق خارشتر را صبح ناشتا مصرف می‌کنید ترکیبات موجود در آن اثرگذاری بهتری خواهند داشت. به گفته بسیاری از کارشناسان طب سنتی، بهترین زمان‌هایی که می‌توانید عرق خارشتر را مصرف کنید صبح ناشتا، قبل از خواب و ۱-۲ ساعت پس از صرف وعده‌های غذایی است. البته در صورتی که مدام با افت فشارخون روبرو هستید، به هیچ‌عنوان سراغ مصرف عرق خارشتر یا سایر اشکال این گیاه نروید. عرق خارشتر به لاغری، بهبود عملکرد کبد، مقابله با عفونت، برطرف کردن جوش، درمان یبوست و غیره کمک می‌کند. البته به‌خاطر بسیاری که برای اثرگذاری عرق خارشتر، باید آن را در زمان و مقدار تجویز شده مصرف کنید.

گیاه خارشتر، درختچه‌ای چند ساله است که به خاطر داشتن خواص ضدالتهابی، آنتی‌اکسیدانی و ضد میکروبی شهرت دارد. این درختچه مقاوم، متعلق به خانواده بقولات یا باقلانیان است و به طور گسترده در آسیا، خاورمیانه و آفریقا یافت می‌شود. این گیاه دارای خارهای تیزی است که ریشه‌های آن بسیار عمیق در خاک نفوذ می‌کنند. گیاه خارشتر سرشار از برخی ترکیبات گیاهی خاص است که برای کاربردهای دارویی مختلفی استفاده می‌شوند.

عرق خارشتر طبع گرم و خشکی دارد. به همین خاطر، اگر نسبت به مواد غذایی با طبع گرم حساسیت دارید یا احتمال نشان دادن واکنش آلرژیک به این مواد را دارید، باید در مصرف این عرق گیاهی احتیاط کنید. اگر می‌خواهید سطح گرمی این عرق شفاف‌بخش و درمانی را کمتر کنید، کافی است آن را با میزان مساوی عرق کاسنی مخلوط کنید. در این شرایط باید با متخصص طب سنتی مشورت کنید تا او در خصوص مصرف یا عدم مصرف عرق خارشتر شما را راهنمایی کند.

خارشتر گیاهی با خواص فوق‌العاده زیاد است که می‌تواند بسیاری از بیماری‌ها را در کمترین زمان ممکن و با بیشترین سطح از اثرگذاری درمان کند. یکی از دلایل این که خارشتر درمانی طبیعی در نظر گرفته می‌شود، وجود مقادیر زیاد آنتی‌اکسیدان در این گیاه است. گیاه خارشتر، به محافظت از بدن در برابر رادیکال‌های آزاد کمک می‌کند و در نتیجه استرس را کاهش می‌دهد. مصرف خارشتر در مقادیر تجویز شده عملکرد اندام‌ها را به طرز چشمگیری تقویت می‌کند، از بیماری‌های مزمن و پیری زودرس جلوگیری می‌کند و متابولیسم را بهبود می‌دهد. این گیاه دارای ویژگی‌های محافظت‌کننده از کبد است که باعث بهبود عملکرد کبد می‌شود. همچنین مصرف عرق خارشتر عوارض ناشی از کبد چرب را کاهش می‌دهد و از التهاب در سلول‌های کبدی جلوگیری می‌کند.

اگر سنگ کلیه یا رسوبات موجود در کلیه دارید و خیلی دردناک و اذیت‌کننده شده‌اند و می‌خواهید با روش‌های طبیعی و موثر آن‌ها را از بین ببرید، کافی است روزانه ۲ لیوان عرق خارشتر مصرف کنید. در صورتی که از این درمان به‌صورت منظم استفاده کنید، در زمان نسبتاً کوتاه سنگ کلیه‌تان دفع خواهد شد.

یکی از اثرات معجزه‌آسای عرق خارشتر این است که نقشی همچون آنتی‌بیوتیک دارد. این ماده، ایمنی بدن را بالا می‌برد و به همین دلیل



چند توصیه درگوشی با خانم‌ها

و قبل از صحبت کردن، فکر کنید.

شنونده خوبی باشید

برای برقراری ارتباط مؤثر، گوش کردن از اهمیت بسیاری برخوردار است. بنابراین آگاهانه تلاش کنید که وقتی او صحبت می‌کند، نه تنها صدایش را بشنوید، بلکه به او گوش کرده و صحبت‌هایش را درک کنید. در حین مکالمه، به او توجه کنید. تلفن همراهتان را کنار بگذارید، تلویزیون را خاموش کنید، یا صدای موسیقی را کم کنید؛ زیرا ممکن است حواس‌تان را پرت کند. اینکه به هنگام صحبت کردن شوهرتان تمام حواس‌تان را به او معطوف کنید نشان می‌دهد که چقدر به او احترام می‌گذارید. گوش دادن به این معنی نیست که باید با او موافقت کنید. حتی برای مخالفت کردن نیز باید با به حرف‌های شوهرتان گوش کنید.

از همسران قدردانی کنید

مردان نیز نیاز دارند که دوست داشته شده و مورد قدردانی و ستایش قرار گیرند. یک تشکر ساده و بی‌ریا کافی است. از این که همین تشکر ساده چه تغییری در زندگی‌تان ایجاد خواهد کرد، شگفت‌زده خواهید شد.

معنی انتقاد سازنده به منظور تشویق او برای پیشرفت و بهبود کاری که دارد انجام می‌دهد نیز هست.

بهترین دوست یکدیگر باشید

بهترین ازدواج، ازدواجی است که در آن زن و شوهر بهترین دوست یکدیگر باشند. اجازه دهید یک دوستی سالم بین شما و همسران به وجود آید و ببینید این دوستی چه تغییری در زندگی‌تان به وجود خواهد آورد.

به شخصیت او احترام بگذارید

بهترین ازدواج‌ها، ازدواج‌هایی هستند که در آن‌ها زن و شوهر به یکدیگر احترام می‌گذارند. شوهر شما یک فرد منحصر به فرد با نقاط ضعف و نقاط قوت است. به شخصیت او احترام بگذارید، نه به خاطر کاری که برای شما یا خانواده‌تان انجام داده، احترام دو طرفه در ازدواج امری ضروری است. احترام دو طرفه در نحوه صحبت کردن و رفتار با طرف مقابل، خود را نشان می‌دهد. چه در تنهایی و چه در جمع، او را تحقیر نکنید، مسخره نکنید و به او ضربه نزنید. کمی شوخی طعنه‌آمیز مشکلی ندارد؛ اما توهین کردن صحیح نیست. بنابراین، مراقب آنچه می‌گویید باشید

در هر رابطه‌ای، برقراری ارتباط صحیح، امری مهم و حیاتی است. ازدواج نیز از این امر مستثنی نیست.

برقراری ارتباط در ازدواج به این معنی است که افکار، احساسات و آنچه از همسران انتظار دارید را به او بگویید. با او صحبت کنید، از او سؤال بپرسید، با او حرف بزنید و بحث کنید. از حرف زدن اجتناب کنید زیرا اوضاع را وخیم می‌کند. از همسران نخواهید حدس بزند شما چه می‌خواهید و از حدس و گمان و برداشتهای فرضی از رفتار او اجتناب کنید.

او را حمایت کنید

اگر شوهرتان یک شغل، یک سرگرمی، یا هر چیز دیگری را دنبال می‌کند، به آن نیاز دارد و می‌خواهد شما او را حمایت کنید. حمایتگری در ازدواج به این معنی نیست که فقط در شرایط سخت کنار همسران باشید. حمایتگری یعنی زمانی که شوهرتان مرحله مهمی از زندگی را با موفقیت پشت سر می‌گذارد، یا زمانی که بر ترس خود غلبه کرده و چیز جدیدی را امتحان می‌کند، از او قدردانی کرده و او را ستایش کنید. حمایت کردن همیشه به معنی بیان نظرات و نکات مثبت نیست. حمایت کردن به

من پناهنده نیستم



رمان من پناهنده نیستم از انتشارات شهرستان ادب، نوشته رضوی عاشور (۲۰۱۴ - ۱۹۴۶) داستان نویس، رمان نویس، منتقد ادبی و استاد دانشگاه مصری است. روایت این داستان روایت درد است؛ درد خانواده‌ای فلسطینی که زنی به نام رقیه راوی آن است و زندگی فلسطینیان را از سال

۱۹۴۸ تا آزادسازی جنوب لبنان به دست حزب الله در انعکاس آن به تماشا می‌گذارد. قصه از دست دادن، آوارگی، پناهندگی، برپایی دولت یهود و... . قصه‌ای که آن چنان دقیق به بیان جزئیات می‌پردازد که به یکی از مهم‌ترین رمان‌های مربوط به واقعه سال ۱۹۴۸ فلسطین در ادبیات روایی عرب تبدیل شده است. «زنان کلیدهای خانه‌شان را به گردن می‌آویزند تا بازگردند و دوباره درها را باز کنند و مردان سند زمین و خانه را داخل جیب‌ها و صندوق‌هایشان نگاه می‌دارند.»

خاطرات فاطمه آباد



در کتاب «خاطرات فاطمه آباد؛ همسر سردار شهید علی بیبا» با تدوین محمدرضا محمدی پاشاک بار دیگر گوشه‌ای از رشادت‌ها و جان‌فشانی‌های یکی از سربازان مخلص خدا را خواهید خواند که در دوران جنگ تحمیلی جان بر کف نهاد و به مقابله با دشمن بعثی رفت تا جام شهادت بنوشد.

این کتاب از انتشارات سوره مهر خاطرات خانم آباد درباره همسرش شهید علی بیبا از سرداران سرفراز دفاع مقدس است: «داشتم علی بیبا را فراموش می‌کردم که یک روز کتاب حجاب استاد شهید مطهری به دستم رسید. همراهش یک نامه بود. علی نوشته بود: «پاسدار هستم. پدر و مادرم کشاورزند. بدان که از جبهه و جهاد جداشدنی نیستم. حالا خودت تصمیم بگیر.» دیدم می‌خواهد مرا بسنجد. در جوابش نوشتم: «جو خانه ما، پذیرای نامه‌پراکنی نیست. رضا برضاک تسلیماً لامرک.»

دلنوشته‌ای به نام پدر



کتاب دلنوشته‌ای به نام پدر اثر فاطمه قنوانی فرزند مدافع حرم شهید قنوانی است. نویسنده در این کتاب با بیانی داستان مانند و عاطفی به بیان عواطف و احساسات خود می‌پردازد و با پدر شهیدش صحبت می‌کند و دل‌تنگی و دوری خود را ابراز می‌کند.

در این کتاب نویسنده سعی می‌کند در بستری شبیه به داستان و با استفاده از زبانی عاطفی و احساسی حسرت از دست دادن پدرش را بیان کند. نویسنده خاطرات کنار پدرش بودن را مرور می‌کند و پس از آن در سوگ از دست دادن پدر دوباره در آن خاطرات زندگی می‌کند. این کتاب ۴۸ صفحه‌ای سرشار از عواطف دختری است که می‌داند پدرش دیگر با او خاطره مشترکی نخواهد ساخت.

توفان سرخ



این کتاب، خاطرات عبدالعظیم الشکرچی، وقایعی از جنگ در بین سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۱ را در بر می‌گیرد و او با ذکر حوادث و وقایعی از آزادسازی خرمشهر به دست رزمندگان ایرانی و اظهار عجز صدام در این خصوص، به توصیف روحیه نیروهای دو سوی

نبردهای اطراف خرمشهر می‌پردازد.

عبدالعظیم الشکرچی در نبردها و عملیات مختلفی شرکت داشته و در این کتاب به عملیاتی اشاره کرده که نسبت به کم و کیف و زوایای مختلف آن وقوف کامل داشته است. در «توفان سرخ» با این سرهنگ عراقی همراه می‌شویم و او وقایع عملیات رمضان، حمله عراق به ایران و غافلگیری آنها توسط رزمندگان ایرانی و استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی را بیان می‌کند.



مضمون

رادیو مضمون

در اپیزودهای مختلف، موضوعاتی چون کارزارهای مختلف در طول جنگ، نقش فرماندهان و تصمیمات کلیدی آن‌ها و تحلیل‌های استراتژیک مورد بررسی قرار می‌گیرد. نویسندگانی مانند زهرا شمیرانی و محمدحسین بنکدار تهرانی، با بیانی شیوا و دقتی علمی، به تشریح وقایع و دستاوردهای مهم تاریخی می‌پردازند. هر اپیزود با دقت و تعمق خاصی تهیه و تدوین می‌شود تا اطمینان حاصل شود که محتوای ارائه‌شده هم از لحاظ تاریخی دقیق است و هم برای شنونده جذاب و قابل فهم باشد.

همچنین لازم به ذکر است که رادیو مضمون با حمایت مالی روزنامه فرهیختگان تولید می‌شود و در پلتفرم‌های مختلفی مانند Apple Podcasts، Google Podcasts، Castbox و TuneIn قابل دسترسی است. البته شنوندگان می‌توانند از طریق شبکه‌های اجتماعی و سایت مربوطه با این پادکست ارتباط برقرار کنند و از آخرین اپیزودها و برنامه‌های آتی مطلع شوند.

در نهایت، «رادیو مضمون» نه تنها یک منبع اطلاعاتی برای علاقه‌مندان به تاریخ است، بلکه یک تجربه شنیداری غنی و متفاوت را ارائه می‌دهد که می‌تواند بینش و دیدگاه شنوندگان را نسبت به رویدادهای تاریخی گسترش دهد. پادکست «رادیو مضمون»، با تمرکز بر روایت‌های تاریخی و ارائه داستان‌های کمتر شنیده شده، به یکی از پادکست‌های برجسته در حوزه تاریخ تبدیل شده است.

اگر تا کنون به یک پادکست گوش کرده باشید، متوجه شده اید که نمی‌توان در قالب یک کلمه یا یک جمله پادکست را تعریف و توصیف کرد. گوش دادن به پادکست‌ها علاوه بر اینکه جذاب و جالب است، می‌تواند سطح اطلاعات فردی از اطلاعات عمومی گرفته تا اطلاعات تخصصی را افزایش دهد. پادکست‌ها محتواهای صوتی هستند که می‌توانند قلب شما را به تپش بیندازند و شنونده را سر ذوق بیاورند. از آن جایی که انواع مختلفی از پادکست‌ها وجود دارد پس برای هر سلیقه‌ای پادکستی وجود خواهد داشت. شاید با خود بگویید که اصلاً چرا باید به پادکست گوش بدهم؛ اما خوب است بدانید که گوش دادن به پادکست‌ها مزایای فراوانی دارد که از جمله آنها می‌توان به تقویت قدرت تجسم و تخیل و در نتیجه افزایش خلاقیت، بهره بردن از محتوای آموزشی به شیوه‌ای راحت‌تر، استفاده از مهارت‌های چندگانه خود به صورت همزمان، استفاده بهتر از زمان‌های مرده و... اشاره کرد.

از این رو با توجه به نکات مثبت در خصوص استفاده از پادکست، پادکستی تحت عنوان «رادیو مضمون» را به شما معرفی می‌کنیم. پادکست «رادیو مضمون»، کاری از گروه پادکست‌های «همیشه در میان»، به روایت تاریخ ایران و جهان از زاویه‌ای جدید می‌پردازد. این پادکست با هدف ارائه داستان‌ها و رویدادهای تاریخی به شیوه‌ای جذاب و دست‌یافتنی، تلاش می‌کند تا شنوندگان را با بخش‌های کمتر شناخته‌شده تاریخ آشنا سازد.



طوفان

این یک داستان واقعی است، با اسامی واقعی

نفیسه محمدی قبول نمی‌کردند. هر طور توضیح داد، قبول نکردند. مگر برای حکم خراب‌کاری «ماهر» دفاعیاتش را پذیرفتند، که بقیه توضیحات را بپذیرند؟ مدارک مستندی وجود داشت؟ نه! همین‌که صهیونیستی کشته شده بود، همین‌که «ماهر شلون» در آن حوالی دیده شده بود، کفایت می‌کرد. حالا نتیجه چه بود؟ حکم زندانی شدن ماهر و خراب شدن خانه‌اش! این قانون صهیونیست‌ها بود. هر کسی در عملیات خراب‌کاری شرکت می‌کرد، فارغ از اینکه چه حکم سنگینی می‌گرفت و چه عواقبی برایش داشت، خانه‌اش باید منهدم می‌شد. حالا چه فرقی داشت که اهالی خانه به زعم آن‌ها گناهکار باشند یا نه! خانه‌ای که سامیه و ماهر با عشق ساخته بودند و پیش از این هم یکبار دیگر به همین جرم ثابت نشده، خراب شده بود، دوباره باید منفجر می‌شد. خیلی دقیق و در کمال احترام...! حکم به نام سامیه خورده بود. سامیه برای توضیحات و دفاع به قرارگاه هم رفته بود. هرچه التماس کرده بود که ماهر ۴۵ ساله سه سال اسیر صهیونیست‌ها بوده، اکثر برادرانش نیز هر یک مدت‌ها اسیر بوده‌اند.

مانند بسیاری دیگر از مردم کرانه باختری که گل جوانی‌شان را در حبس می‌گذرانند. یکی از برادرانش نیز شهید شده بود، این هم مانند بسیاری از خانواده‌های کرانه باختری و غزه، نه عضو حماس است نه جهاد اسلامی نه حتی عرین الاسود، از اعضای گردان‌های شهدای الاقصی، که شاخه نظامی جنبش سکولار فتح است. متاهل است. سه فرزند هم دارد، چطور بعد از این همه سختی و مجازات‌های پی‌درپی بیاید و خراب‌کاری راه بیندازد. مگر از جان خودش و آسایش خانواده‌اش سیر شده؟ به خرچشان نرفت که نرفت... حکم باید اجرا می‌شد.

زن جوان ماهر و سه فرزندش تاوان زندگی در وطن خودشان را پس می‌دادند. به هر کجا توانسته بود چنگ انداخته بود تا بلکه بتواند جلوی تخریب خانه تازه ساخته شده را بگیرد، اما نشد. به بچه‌ها چه می‌گفت؟ اتاق تازه تجهیز شده را با خرابه عوض می‌کردند؟

آنقدر این روزها اشک ریخته و بی‌تابی کرده بود که توانی برایش نمانده بود. خدا خدا می‌کرد شاید حکم اجرا نشود، شاید کسی حرفی بزند، یا قاضی حکم را عوض کرده باشد. شام را که خوردند، در خانه را زدند. سامیه آرزو کرد شوهرش باشد. چه خوش خیال بود. ماموران آمده بود برای تخریب! الان؟ این موقع شب؟ با تقدیم احترامات فائقه همه را از خانه بیرون کشیدند و در چند ثانیه خانه‌امید سامیه و ماهر و فرزندانش دود شد. همین...! حالا سامیه‌ایستاده بود و به خرابه‌ها نگاه می‌کرد، به وسیله‌های جامانده زیر آوار، به کتاب‌هایش، سجاده نماز، لباس‌ها، ظرف و ظروف و خیلی چیزهای دیگر... این بادی بود که هرچند وقت یکبار وزیدن می‌گرفت و خانه‌ای از فلسطینیان را به خزان می‌کشاند. اشکش خشک شده بود. دخترش همان‌جا روی خرابه‌ها خوابش برده بود و پسرش مغموم و خشمگین صفحه‌های مجازی را زیرورو می‌کرد. ناگهان چیزی دید و مثل برق از جا پرید.

– مادر مادر! ببین! حماس حمله کرده، ببین همین یکی دو ساعت پیش! اسمش هم شده طوفان الاقصی...! ببین!

و از جا بلند شد و بلند قهقهه زد. سامیه از پشت سیلاب اشک چیزهایی را که می‌دید، باور نمی‌کرد. طوفان آغاز شده بود. همان‌جا روی خرابه‌ها هلهله کرد...

چرا جهش تولید؟ چرا مشارکت مردم؟

مروری بر پیام نوروزی رهبرانقلاب اسلامی به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۳



تلخی های ۱۴۰۲

- حوادث اتفاق افتاده برای مأموران و حافظان امنیت
- حادثه ی تلخ کرمان در سالگرد شهید سلیمانی
- مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم
- سیل بلوچستان در اواخر سال
- حادثه ی غزه، تلخ ترین مسئله خارجی



چشم انداز

- از خداوند متعال مسئلت میکنیم که تلخی ها را جبران کند و ادامه ی شیرینی ها را به ملت ایران و ملت های مسلمان ارزانی بفرماید



الزامات تحقق شعار سال ۱۴۰۳

- مردمی کردن اقتصاد و مشارکت مردم در تولید ملی
- برطرف کردن موانع حضور مردم در عرصه ی تولید
- فعال کردن ظرفیتهای مردمی به نفع کشور و مردم



اهمیت مشارکت مردم در تولید ملی

- جهش تولید ملی بدون مشارکت و حضور مردم اتفاق نخواهد افتاد



شیرینی های ۱۴۰۲

- حضور حماسی مردم در اجتماعات روز قدس و روز ۲۲ بهمن
- برگزاری امن و سالم انتخابات و حضورهای مردمی دیگر
- تحرک بین المللی دولت در عرصه های گوناگون
- تولیدات زیربنایی در سراسر کشور
- پیشرفتهای چشمگیر علمی و فناوری



ارزیابی تحقق شعار سال ۱۴۰۲

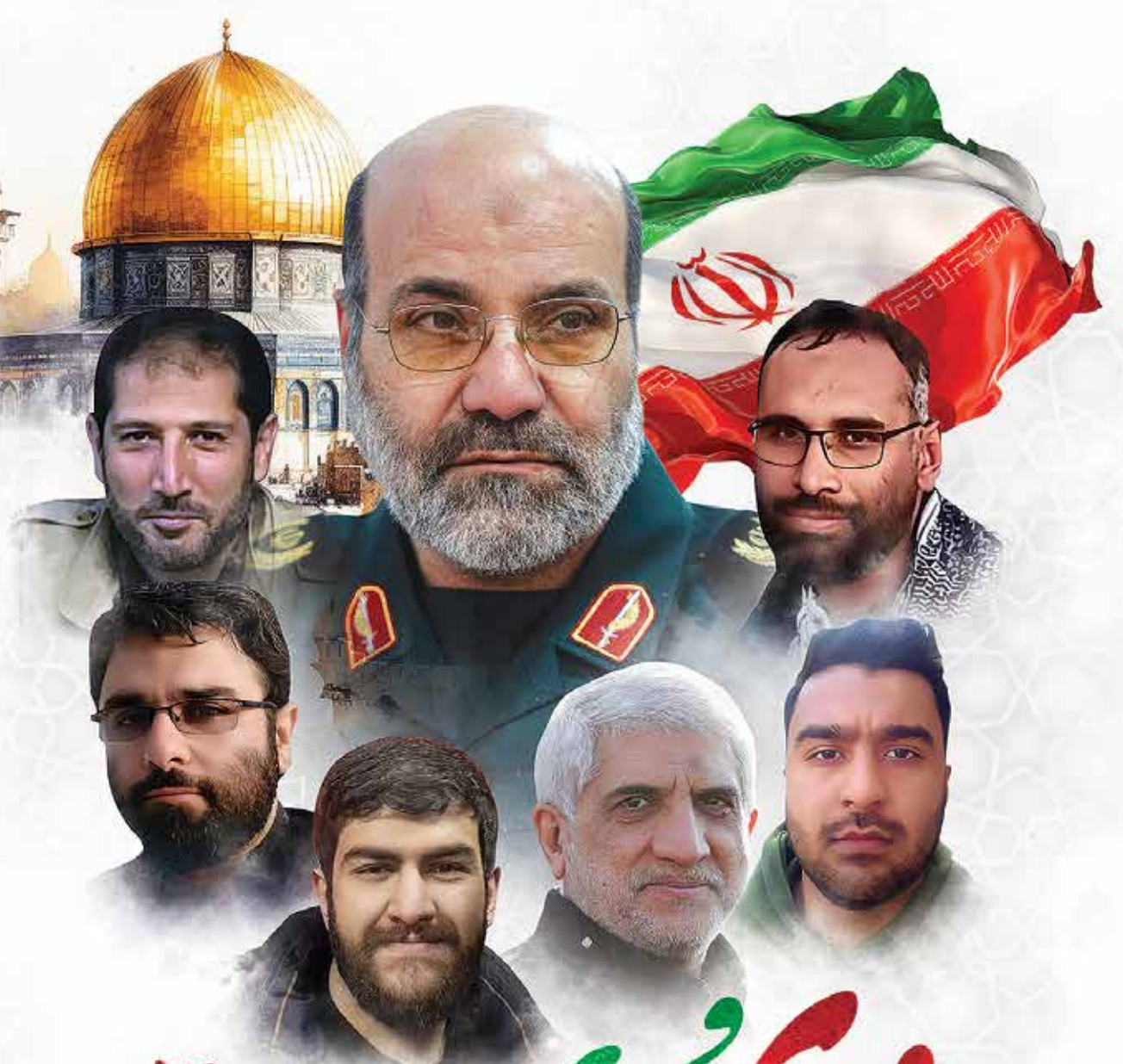
- پیشرفتهایی در هر دو بخش شعار البته نه به قدر مطلوب
- لزوم ادامه یافتن کارها



دلیل انتخاب شعار سال ۱۴۰۳

- اقتصاد، مسئله اصلی و نقطه ضعف اساسی کشور با محوریت: تورم، اشتغال، ارزش پول ملی
- تولید داخلی، کلید اساسی برای حل مشکلات اقتصادی کشور

امیدواریم ان شاء الله این شعار به بهترین وجهی تحقق پیدا کند. برنامه ریزان کشور برنامه ریزی کنند، صاحب نظران همکاری فکری کنند و فعالان اقتصادی به نحو عملی در این کار مشارکت کنند.



شهر شهیدان
شهر قیام

